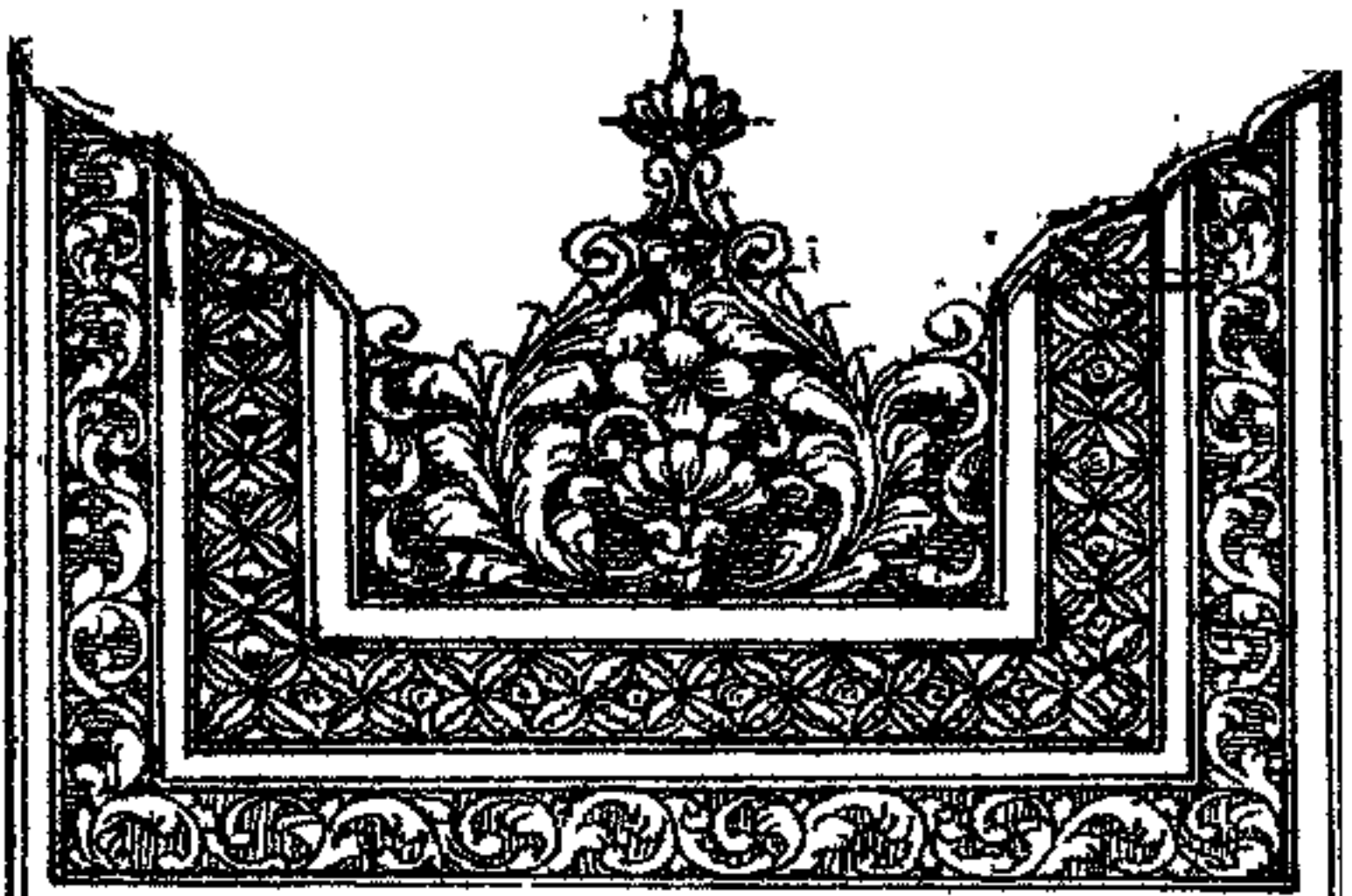


مفتاح الصلوة

فتح

محمد





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين والصلوة على رسول محمد
صلى الله عليه وآله وسلم

بن بدان تا نیک بخت کند ترا خدا تعالی که نیستن فرض بکلف
تن واجب است و در این سنت سنت است و در این سنت است

فروض بدنی نماز است و این فرض واجب و سنت

است تا آنکه در فتاوی کبیری و ناصری و شهبازی

فروض و اجبات نمازندان نماز او روا نباشد

که کافر و نعوذ بالله منها پس اول

تشریح هر یک از آنها بگویم بعد از بیان آن در نماز نایم فرض
است که بدلیل قطعی که در آن هیچ وجهی نبوده ثابت شده با آنکه حکمتعالی چنان
حکم فرموده بر نفس قرآن یا حدیث متواتر یا جماعت است پس اگر فرضیت آن نیز
بهم مجتهدین باشد متکرا و کافر است و اگر نیز بعضی بود متکرا و فاسق باشد و بر تقدیر از
ناکردن آن چیزی که فرضیت آن چیز فاسد گردد و جایز بنا و درینا و عذاب
دورخ شود و در عینی قطعا و یقینا مگر حکمتعالی استجا و نکند بکرم خویش و واجب است
که بدلیل ظنی از قرآن غیر مخصوص و یا حدیث غیر متواتر ثابت شده با آنکه حکمتعالی
است یا آنکه پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و ایم کرده با و انکار بر تارک آن نیز فرموده اند
حکمش اینست که متکرا و فاسق است مگر از مجتهدین که وجوب او ثابت است و از
ناکردنش آن عمل مکروه تحریمی می شود یعنی قریب حرام گردد و درینا و ثواب اصلا
نباشد در آخری اگر چه فرضیت قضا از هر طرف گردد و اما وجوب قضا ثابت است و سبب
عذاب نیز باشد نظیر غالب اگر اعاوه نکند مگر حکمتعالی عفو نماید بظرف خویش و سنت
است که از پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم ثابت شده با یا بر وجهی که قولاً یا فعلاً یا رضاً
و برین فعل یا بدیهه که با آنکه گفته اند ترک از دو مرتبه زیاد بنا و ظاهر است که
مرا از زیادتی وجودی با چنانچه استفاد از بی بعضی سنن میشود و سنت است متکرا

در این کتاب از حدیثی که در این کتاب است
و در این کتاب از حدیثی که در این کتاب است
و در این کتاب از حدیثی که در این کتاب است

یعنی کسی که در کار اگر شوق سنت آن بخیر و صحت فاسق اگر بجز شوق است
شده و کافر است اگر بجز شوق است او اگر نعوذ باشد از روی امانت
و استخفاف انکار کند هر چه که با کافر و وازنا کردن آن بعد از قبول و عقاب
سنت نقصان ثواب شود مگر در تری میگرد و در وینا و سبب عقاب یعنی
شستن باشد در آخرت و بعضی معتقدان ترک سنت مکره اشکالناکیده اش
و چپ گناه گویند و اگر درین عمل است کردن تا خون و رزق یعنی آسان و اند
و بیایکی نماید خوف کفر است و اگر خود را مقصود اند امید عفو است و سبب است
که آن سرور صلی الله علیه و آله و سلم ثواب عمل آن میان فرموده اند و یا گاهی خود کرده
باشد و از باب عبادت باشد عبادت و این است تجزیه نماند و بعضی مستحبات
از سلف مطلق نماند با جمله سبب است کافر است فاسق نه مبدع و درسی مگر انکار
این سبب است استجاب بحديث آن سرور صلی الله علیه و آله و سلم چنانکه معلوم
شد از ما سبق و همچنین غیر عامل او هیچ وجه ما خود نیست بلکه تارک
فضیلت است و از ثواب آن محروم و عامل آن ثواب عظیمه میفرزند
و منصور و بصلاحت بهر و بالفوز بزرگی از علمای است و فیض و
واجبات سخن نماز را درین سبب است بحروف اشارت کرده که اکثر

در این کتاب از حدیثی که در این کتاب است
و در این کتاب از حدیثی که در این کتاب است
و در این کتاب از حدیثی که در این کتاب است

در این کتاب از حدیثی که در این کتاب است
و در این کتاب از حدیثی که در این کتاب است
و در این کتاب از حدیثی که در این کتاب است

عقبات

که اکثر اوقات بفرزند آن حضرت یعنی شاه عیسی صاحب سلمی فرمودند
 و آن اینست **ایات** فریض ندانی شوی و رلق

ایات از نام پاک کردن
فریض ندانی در وقت غفلت
شوی در وقت غفلت
و رلق در وقت غفلت

تفصیل این محال از کتب جسته بگویم و حواله کرده نشود مگر وقتی که ضرورت بیان
 بیت اول بطریق اختصار است **الف** اندام پاک کردن از بخت مغوی
 و صورتی که بحدث و خبث بر روی فقها تعبیر ازین هر دو واقع میشود حد برودت
 اصغر که سبب وضو با و اگر که سبب آن باشد **فصل** در بیان وضو بدانکه وضو
 در وضو چهار چیز است **فرض اول** شستن بر روی از دست نگاه موی پیشانی در اکثر
 و شعاع تا زیر رخ و از زمره گوش تا زمره گوش دیگر اگر موی اینو نبز بر آمده با و اگر موی
 اینو بر آمده است شستن بر روی ساقها میشود و جای ساج بر این فرض کرده اند

این حدیث از کتاب...
 در وقت غفلت...
 در وقت غفلت...
 در وقت غفلت...

عقبات

این حدیث از کتاب...
 در وقت غفلت...
 در وقت غفلت...
 در وقت غفلت...

در وقت غفلت...
 در وقت غفلت...
 در وقت غفلت...

بانی مانده باینکه تمام احوال را در آن
 ایضا در آنست که در آنست که در آنست
 ایضا در آنست که در آنست که در آنست
 ایضا در آنست که در آنست که در آنست

مضمون اینست که در آنست که در آنست
 ایضا در آنست که در آنست که در آنست
 ایضا در آنست که در آنست که در آنست
 ایضا در آنست که در آنست که در آنست

و حکایت است که شستن سینه با که بر روی آن آمده و فرقی نشود که در آنست که در آنست
 حلیه الصلواتی که در آنست که در آنست که در آنست که در آنست که در آنست
 البیاض و در بجز الرین میگوید که عجب است از اصحاب بیخون که روایت صحیح معنی به
 که با و رجوع واقع شده ترک میکنند و روایت دیگر مذکور می نمایند فرض دوم
 شستن برود و شستن فرض سوم شستن برود و پامی تا شستن است
 و این شستن داخل نیست فرض چهارم شستن چهارم حصه است
 از هر طرف که میسر آید و شستن در وضو نیز سه مرتبه است اول برود
 شستن مانند دو جدا جدا جدا جمع نموده شستن دوم در حال ایستادن
 ایضا در آنست که در آنست که در آنست که در آنست که در آنست
 میشود سوم سوگ کردن بوقت بضمضه اگر موجود نباشد یا سه بار برود یا یک بار
 یا به هر حال که در آنست که در آنست که در آنست که در آنست که در آنست
 باید که تلخ بود یا چیزی که سبب صفا کردن با و در آنست که در آنست
 کیوب است تقریباً سنت در کیفیت گرفتن او نیست که خضرت است
 پایین سوگ شد و شستن با اب بار و او ایام یا زیر پا و نمیداند آنست که در آنست
 و شروع بدن آنست که در آنست که در آنست که در آنست که در آنست

ایضا در آنست که در آنست که در آنست
 ایضا در آنست که در آنست که در آنست
 ایضا در آنست که در آنست که در آنست
 ایضا در آنست که در آنست که در آنست

ایضا در آنست که در آنست که در آنست
 ایضا در آنست که در آنست که در آنست
 ایضا در آنست که در آنست که در آنست
 ایضا در آنست که در آنست که در آنست

وردندان سفلی برین طریق عمل نماید کذا فی شرح صیغه الصلحی اول مرتبه سبأ
 ورا عالی و سه بار در هر صیغه است با سه بار که در کلام نیز استعمال نماید ذکره فی البحر الرائق
 چهارم مضمضه یعنی آب درین جنبانید و در بعضی روایا مبالغه در و که غرغره
 گویند تا جلق رساید نیز سنت است پنجم آب در بینی کردن و آن بدست چون بکشید
 بدست چپ بکشید و در بعضی روایا مبالغه در آن نیز سنت است و آن آنست که انگشت
 آب بکنده کند و در بینی تا به پره برسد و در عین مبالغه هر دو را از دست شسته است
 و سنت آنست که برای مضمضه ششاق آب هر مرتبه جدا جدا بکشد ششامه
 سه بار شستن لیکن مرتبه اول از فرض واقع میشود باید که هر مرتبه آب بر همه اعضا جاری
 شود کذا فی البحر الرائق ششم نیت وضو برفع حدث کردن ببل و زبان کفتن
 سنت است اگر نیت کند ثواب کفونیابد اگر چه نماز و ابا شد و محل او وقت نخستین
 رویت کذا فی السراج الوداج شاید مراد آن باشد تا خیر او جایز نیست که فرض
 اولست اما تقدیم از وجو جائزست قیاس بر نماز بشرطیکه جنبی در میان واقع
 نشود و لهذا صاحب عیون نیت سنت اول شمرده است ششم غسل خلال بحیث
 طریقی آنست که از جانب فضل شستن تا از طرف علی برآورد و در حدیث
 جمع الجوامع واروست که آنسر و صلی الله علیه و آله و سلم غرغره آب در بینی

در وقت غسل کردن
 اگر آب در بینی
 ریختند و در آن
 وقت غسل کردند
 غسل باطل است
 و اگر آب در بینی
 ریختند و در آن
 وقت غسل نکردند
 غسل باطل است

ح

در وقت غسل کردن
 اگر آب در بینی
 ریختند و در آن
 وقت غسل کردند
 غسل باطل است
 و اگر آب در بینی
 ریختند و در آن
 وقت غسل نکردند
 غسل باطل است

ح

در وقت غسل کردن
 اگر آب در بینی
 ریختند و در آن
 وقت غسل کردند
 غسل باطل است
 و اگر آب در بینی
 ریختند و در آن
 وقت غسل نکردند
 غسل باطل است

ح

در وقت غسل کردن
 اگر آب در بینی
 ریختند و در آن
 وقت غسل کردند
 غسل باطل است
 و اگر آب در بینی
 ریختند و در آن
 وقت غسل نکردند
 غسل باطل است

در وقت غسل کردن
 اگر آب در بینی
 ریختند و در آن
 وقت غسل کردند
 غسل باطل است
 و اگر آب در بینی
 ریختند و در آن
 وقت غسل نکردند
 غسل باطل است

در وقت خواب و در وقت بیداری و در وقت حرکت و در وقت سکون و در وقت سرما و در وقت گرما و در وقت خواب و در وقت بیداری و در وقت حرکت و در وقت سکون و در وقت سرما و در وقت گرما

رسایند و منبسط میگردند و تحلیل اصابع است از هر دو دست و هر دو پای را در وقت یعنی
انگشتان بآب متغاط و بعضی در آرد و حیوانات خشک حاصل آید و در پای این
مخضرت چه تحلیلی خضر پایی است که کند همچنین تا ختم شود بخضر پایی و هم تمام
مسح کردن کیفیت او است که هر دو کف بآب تر کرده بر مقدم سر نهد و اثر آن
تا تقابل کشیدگی که نام سر خوب گردد و بعد به هر دو انگشت مسحه داخل هر دو کف
مسح کند و هر دو ایهام بالای هر دو گوش مسح کند یا از هم آنکه مسح هر دو گوش
با یکدیگر برای مسح گرفته است بکنند یعنی آب گانده تا ضروری باشد تا نزد او از هر
رهایت تریب کند یعنی اول روی بشوید بعد هر دو دست تا آنجکه بشوید بعد مسح کند
بعد پایی تا شامانگ بشوید چنانچه در نص قرآن واقع است **سید**
پی در پی بشوید یعنی در میان توقف آنقدر کند که عضو رویی معتدل خشک گردد
و قبل از شستن پایی اعضا بمبدل خشک سازد که مانع و لاست گذاری معراج الاز
عن الشمس الائمة الحلوئی و سوامی این سخن بعضی است گفته اند و بعضی است گفته اند
و هو الصواب استحیات وضو یا نزه چیز است اول وقت شروع
تعوذ و تسمیه بسم الله العظیم الحمد لله تا آخر گفتن و دوم رو سوخته کردن سوم
از استمان آغاز کردن چهارم کلاه شهادت دور و در هر عضو فرض گفتن و

در وقت خواب و در وقت بیداری و در وقت حرکت و در وقت سکون و در وقت سرما و در وقت گرما و در وقت خواب و در وقت بیداری و در وقت حرکت و در وقت سکون و در وقت سرما و در وقت گرما
در وقت خواب و در وقت بیداری و در وقت حرکت و در وقت سکون و در وقت سرما و در وقت گرما و در وقت خواب و در وقت بیداری و در وقت حرکت و در وقت سکون و در وقت سرما و در وقت گرما
در وقت خواب و در وقت بیداری و در وقت حرکت و در وقت سکون و در وقت سرما و در وقت گرما و در وقت خواب و در وقت بیداری و در وقت حرکت و در وقت سکون و در وقت سرما و در وقت گرما
در وقت خواب و در وقت بیداری و در وقت حرکت و در وقت سکون و در وقت سرما و در وقت گرما و در وقت خواب و در وقت بیداری و در وقت حرکت و در وقت سکون و در وقت سرما و در وقت گرما

در وقت خواب و در وقت بیداری و در وقت حرکت و در وقت سکون و در وقت سرما و در وقت گرما و در وقت خواب و در وقت بیداری و در وقت حرکت و در وقت سکون و در وقت سرما و در وقت گرما

کشتی در حدیث صحیح نسائی وارد است که سبحانک اللهم وسبحک
اشهد ان لا اله الا انت استغفرك وانت الیک بعد ذنوبک
نشور و در حدیث مسلم اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له
اشهد ان محمدا عبده ورسوله بعد از وضو بگوید حق تعالی او را بیست
و بیست یک بار یعنی در یک روز در یک نماز و در یک روز در یک نماز که در حدیث
جامع الجوامع از علی بن ابی طالب کرم الله وجهه مرویست که پیغمبر صلی الله علیه و سلم
در وقت ششستن بسم الله العظیم الحمد لله عا دین الاسلام یکصد
و روایتی دیگر از زمره که در وقت ششستن اللهم لکن جنتی و وقت ششستن
اللهم لا تخیری ذی الحکر و تکلمت فی اللهم بصلواتی و جنتی و حق یوم
بلیض جوی و تسوی و جود و وقت ششستن اللهم اعطنی
کتابی یعنی وقت ششستن اللهم اجعل الخلد شمالی و لا تجعلها
مغلولة لى عنقی و تکلمت فی اللهم غشائین حمتنا فانما نحنی
اللهم لا تجمع بیننا و اصینا و اقدنا و وقت ششستن اللهم جنتنا
من مقطعات النیر و تکلمت فی اللهم ثبت قدمی علی
الصراط یوم تزل فیک الاقدام کفی ان سر چون وضو تمام کرد بر خانه

کشتی در حدیث صحیح نسائی وارد است که سبحانک اللهم وسبحک
اشهد ان لا اله الا انت استغفرك وانت الیک بعد ذنوبک
نشور و در حدیث مسلم اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له
اشهد ان محمدا عبده ورسوله بعد از وضو بگوید حق تعالی او را بیست
و بیست یک بار یعنی در یک روز در یک نماز و در یک روز در یک نماز که در حدیث
جامع الجوامع از علی بن ابی طالب کرم الله وجهه مرویست که پیغمبر صلی الله علیه و سلم
در وقت ششستن بسم الله العظیم الحمد لله عا دین الاسلام یکصد
و روایتی دیگر از زمره که در وقت ششستن اللهم لکن جنتی و وقت ششستن
اللهم لا تخیری ذی الحکر و تکلمت فی اللهم بصلواتی و جنتی و حق یوم
بلیض جوی و تسوی و جود و وقت ششستن اللهم اعطنی
کتابی یعنی وقت ششستن اللهم اجعل الخلد شمالی و لا تجعلها
مغلولة لى عنقی و تکلمت فی اللهم غشائین حمتنا فانما نحنی
اللهم لا تجمع بیننا و اصینا و اقدنا و وقت ششستن اللهم جنتنا
من مقطعات النیر و تکلمت فی اللهم ثبت قدمی علی
الصراط یوم تزل فیک الاقدام کفی ان سر چون وضو تمام کرد بر خانه

کشتی در حدیث صحیح نسائی وارد است که سبحانک اللهم وسبحک
اشهد ان لا اله الا انت استغفرك وانت الیک بعد ذنوبک
نشور و در حدیث مسلم اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له
اشهد ان محمدا عبده ورسوله بعد از وضو بگوید حق تعالی او را بیست
و بیست یک بار یعنی در یک روز در یک نماز و در یک روز در یک نماز که در حدیث
جامع الجوامع از علی بن ابی طالب کرم الله وجهه مرویست که پیغمبر صلی الله علیه و سلم
در وقت ششستن بسم الله العظیم الحمد لله عا دین الاسلام یکصد
و روایتی دیگر از زمره که در وقت ششستن اللهم لکن جنتی و وقت ششستن
اللهم لا تخیری ذی الحکر و تکلمت فی اللهم بصلواتی و جنتی و حق یوم
بلیض جوی و تسوی و جود و وقت ششستن اللهم اعطنی
کتابی یعنی وقت ششستن اللهم اجعل الخلد شمالی و لا تجعلها
مغلولة لى عنقی و تکلمت فی اللهم غشائین حمتنا فانما نحنی
اللهم لا تجمع بیننا و اصینا و اقدنا و وقت ششستن اللهم جنتنا
من مقطعات النیر و تکلمت فی اللهم ثبت قدمی علی
الصراط یوم تزل فیک الاقدام کفی ان سر چون وضو تمام کرد بر خانه

کشتی در حدیث صحیح نسائی وارد است که سبحانک اللهم وسبحک
اشهد ان لا اله الا انت استغفرك وانت الیک بعد ذنوبک
نشور و در حدیث مسلم اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له
اشهد ان محمدا عبده ورسوله بعد از وضو بگوید حق تعالی او را بیست
و بیست یک بار یعنی در یک روز در یک نماز و در یک روز در یک نماز که در حدیث
جامع الجوامع از علی بن ابی طالب کرم الله وجهه مرویست که پیغمبر صلی الله علیه و سلم
در وقت ششستن بسم الله العظیم الحمد لله عا دین الاسلام یکصد
و روایتی دیگر از زمره که در وقت ششستن اللهم لکن جنتی و وقت ششستن
اللهم لا تخیری ذی الحکر و تکلمت فی اللهم بصلواتی و جنتی و حق یوم
بلیض جوی و تسوی و جود و وقت ششستن اللهم اعطنی
کتابی یعنی وقت ششستن اللهم اجعل الخلد شمالی و لا تجعلها
مغلولة لى عنقی و تکلمت فی اللهم غشائین حمتنا فانما نحنی
اللهم لا تجمع بیننا و اصینا و اقدنا و وقت ششستن اللهم جنتنا
من مقطعات النیر و تکلمت فی اللهم ثبت قدمی علی
الصراط یوم تزل فیک الاقدام کفی ان سر چون وضو تمام کرد بر خانه

صلوات بر محمد و آل محمد **صلوات** بر محمد و آل محمد **صلوات** بر محمد و آل محمد

و صلی الله علیه و سلم اللهم كما طهرتنا بالماء فطهرنا من
 الذنوب بعد تواتر و از سرور صلی الله علیه و سلم هر که این اوجیه بخواند هر قطره
 که از اندام او در وضو بکشد پاک کند از وضو و معالی فرشته که استغفار کند بحیث او
 تا روز قیامت و گناهای او بخشاید و منتهی محصله این است که اگر کسی تا آنجا بخواند
 که ثواب عظیم و ارتقا دارد و چنانکه کاتب با اوجیه دیگر فتوح الاورد آورد و حکم برین
 جنبانیدن که فریاد با و اگر نه لا دست ششم ششم کردن کردن بعضی تا این
 کردن در سنت شمرده اند بفرقه اعضای مغسوله وقت غسل دست را بیدن هم
 تعدد زیر بر و بر و اطراف هم ششم ششم شروع شستن بر و از پیشانی برود
 یا می از انگشتان و سه سر از مقدم کردن و هم وقت نیت از زبان گفتن نوبت آن
 انوصار فوج الحد شامتا لا لا الله تعالی یا زو هم بذات خود
 شعدم وضو شدن و و از و هم از لقمه آب استاده آشامید پس در وضو وضو
 او اگر در چهار و هم تازه وضو بری هر نماز کردن یا از و هم در سوی استمان
 کردن بعد از وضو شستن و سابقه خواندن و حزان مستحبات بسیار است چنانکه
 در کفایت المؤمنین غیر آورده که پیش از وقت ساختن وضو کردن و چون او نیت
 خالی شود باز بگردن و نیت کردن اگر ریش این باشد و بعد وضو بار در و و

در وضو وضو شدن و و از و هم از لقمه آب استاده آشامید پس در وضو وضو
 او اگر در چهار و هم تازه وضو بری هر نماز کردن یا از و هم در سوی استمان
 کردن بعد از وضو شستن و سابقه خواندن و حزان مستحبات بسیار است چنانکه
 در کفایت المؤمنین غیر آورده که پیش از وقت ساختن وضو کردن و چون او نیت
 خالی شود باز بگردن و نیت کردن اگر ریش این باشد و بعد وضو بار در و و

و بعد از وضو شستن و سابقه خواندن و حزان مستحبات بسیار است چنانکه
 در کفایت المؤمنین غیر آورده که پیش از وقت ساختن وضو کردن و چون او نیت
 خالی شود باز بگردن و نیت کردن اگر ریش این باشد و بعد وضو بار در و و

در بیان کیفیت و احوال

در و خواندن لیکن اینقدر هم عادت مکروبات در و ضو چهارده
 چیز اول است تا سه در او نماند از حقن زیاد و قتیکه شیب نجاست نباشد
 مستحب و اگر نه شستن سنت است اگر قیاس با و فرست و دوم سخن و بناوی
 وضو گرفتن و در مطلق المونین مکرودید عادت سوم آب بسیار بخین باید که
 بدویرل که نکینست وضو کند که مسنونست و زیاد از سه برین طرف و درین
 پشت است سخن اگر ازین زیاد و جهت قرار اول کند سبب است ایجاب مکره نشده است
 باک نثار و اما زیاد از سه بار شستن مکره است چهارم آب روی سخت زدن
 با بیکه در او نماند مکره با قناب باشد وضو کردن ششم و این وقت شستن
 روی سخت بستن هم وضو در موضع کردن ششم یعنی بدین است افشردن هم
 در جای استجا وضو کردن هم در جای اول استجا کردن یا زد هم مضمضه
 و استنشاق بدست چپین و در او هم او نماند یعنی وضو تخصیص کردن یعنی نکره دیگر یا
 رخصت بدید هم از سه بار شستن چهارم هم مسح کردن اعضای وضو
 بمندی که بان موضع استجا مسح کرده با اما اگر بر چه دیگر کند بان فضل
 است که در لیا هم گریاسح نکند که آن وضو سبب نفیست چنانکه در حدیث است و در وقت
 حاجت مسح کند و در بعضی کتب با و ندس وضو کردن نیز مکره گفته است مکره است

در و خواندن لیکن اینقدر هم عادت مکروبات در و ضو چهارده
 چیز اول است تا سه در او نماند از حقن زیاد و قتیکه شیب نجاست نباشد
 مستحب و اگر نه شستن سنت است اگر قیاس با و فرست و دوم سخن و بناوی
 وضو گرفتن و در مطلق المونین مکرودید عادت سوم آب بسیار بخین باید که
 بدویرل که نکینست وضو کند که مسنونست و زیاد از سه برین طرف و درین
 پشت است سخن اگر ازین زیاد و جهت قرار اول کند سبب است ایجاب مکره نشده است
 باک نثار و اما زیاد از سه بار شستن مکره است چهارم آب روی سخت زدن
 با بیکه در او نماند مکره با قناب باشد وضو کردن ششم و این وقت شستن
 روی سخت بستن هم وضو در موضع کردن ششم یعنی بدین است افشردن هم
 در جای استجا وضو کردن هم در جای اول استجا کردن یا زد هم مضمضه
 و استنشاق بدست چپین و در او هم او نماند یعنی وضو تخصیص کردن یعنی نکره دیگر یا
 رخصت بدید هم از سه بار شستن چهارم هم مسح کردن اعضای وضو
 بمندی که بان موضع استجا مسح کرده با اما اگر بر چه دیگر کند بان فضل
 است که در لیا هم گریاسح نکند که آن وضو سبب نفیست چنانکه در حدیث است و در وقت
 حاجت مسح کند و در بعضی کتب با و ندس وضو کردن نیز مکره گفته است مکره است

در و خواندن لیکن اینقدر هم عادت مکروبات در و ضو چهارده
 چیز اول است تا سه در او نماند از حقن زیاد و قتیکه شیب نجاست نباشد
 مستحب و اگر نه شستن سنت است اگر قیاس با و فرست و دوم سخن و بناوی
 وضو گرفتن و در مطلق المونین مکرودید عادت سوم آب بسیار بخین باید که
 بدویرل که نکینست وضو کند که مسنونست و زیاد از سه برین طرف و درین
 پشت است سخن اگر ازین زیاد و جهت قرار اول کند سبب است ایجاب مکره نشده است
 باک نثار و اما زیاد از سه بار شستن مکره است چهارم آب روی سخت زدن
 با بیکه در او نماند مکره با قناب باشد وضو کردن ششم و این وقت شستن
 روی سخت بستن هم وضو در موضع کردن ششم یعنی بدین است افشردن هم
 در جای استجا وضو کردن هم در جای اول استجا کردن یا زد هم مضمضه
 و استنشاق بدست چپین و در او هم او نماند یعنی وضو تخصیص کردن یعنی نکره دیگر یا
 رخصت بدید هم از سه بار شستن چهارم هم مسح کردن اعضای وضو
 بمندی که بان موضع استجا مسح کرده با اما اگر بر چه دیگر کند بان فضل
 است که در لیا هم گریاسح نکند که آن وضو سبب نفیست چنانکه در حدیث است و در وقت
 حاجت مسح کند و در بعضی کتب با و ندس وضو کردن نیز مکره گفته است مکره است

غیر ازین نیز گفته اند چنانکه آغاز از چاک کردن و تکرار مسح سر سه مرتبه کردن و در آن وضو خوی یا آب بنی انداختن یعنی اگر چه چارست و در آن وضو رین اما اینقدر است که کج

مذکور شد بیان بدم خدا صغر بود اما رفع حدت کبر که آن جنابت و حیض و نفاس است
 حال غشی شود مگر غسل باید و است که فرض در غسل سه چیز است ^{مضمضه سستنا} و ^{مضمضه سستنا}

و غسل ^{سستنا} حیض من و است در او است که اول غسل فرج و نجاست که بر بدن باد و است
 کرده بعد و ضوابطی سابق او نماید و اگر موضع غسل محتم آب شستنی را جدا شود
 بعد از غسل بشوید مسئله غسل یکساعت که گشت برین شاد است و مست و زیاده از
 دو از ده طول است و فصل شکننده وضو خروج نجاست از بدن می فصل ^{مسئله} ^{مسئله}

و غایط و باد و خون دریم و مانند آن وقت که پری این باشد یعنی اگر او را نبوا نند
 نکاشت گریز و تمام اگر چه تلخ باشد یا خون است یا طعام یا آب نبلعیم یا خون که بزاق
 بود مسئله اگر بکشوش خنم تر اندک اندک می کرد لیکن مهم بقدر است که اگر حیض شود
 دین پر کرد و ناقص مسئله خواب کسی که از جوانی اربعه بدن برین جسماننده
 است یعنی دراز کشیده یا قنصت و خواب کسی که نشسته یا در و یا طاهر
 کشیده یا نیکه شسته چنانکه اگر در کرده شود و قضیه نیز ناقصت ^{مسئله}
 بیوشی و دیوانگی ناقصت ^{مسئله} ناقصت ^{مسئله} و ناقصت ^{مسئله} ناقصت وضو

در حدیث آمده که هر کس در وضو سه مرتبه مسح سر کند و در آن وضو خوی یا آب بنی انداختن یعنی اگر چه چارست و در آن وضو رین اما اینقدر است که کج

مذکور شد بیان بدم خدا صغر بود اما رفع حدت کبر که آن جنابت و حیض و نفاس است
 حال غشی شود مگر غسل باید و است که فرض در غسل سه چیز است ^{مضمضه سستنا} و ^{مضمضه سستنا}

و غسل ^{سستنا} حیض من و است در او است که اول غسل فرج و نجاست که بر بدن باد و است
 کرده بعد و ضوابطی سابق او نماید و اگر موضع غسل محتم آب شستنی را جدا شود
 بعد از غسل بشوید مسئله غسل یکساعت که گشت برین شاد است و مست و زیاده از
 دو از ده طول است و فصل شکننده وضو خروج نجاست از بدن می فصل ^{مسئله} ^{مسئله}

و غایط و باد و خون دریم و مانند آن وقت که پری این باشد یعنی اگر او را نبوا نند
 نکاشت گریز و تمام اگر چه تلخ باشد یا خون است یا طعام یا آب نبلعیم یا خون که بزاق
 بود مسئله اگر بکشوش خنم تر اندک اندک می کرد لیکن مهم بقدر است که اگر حیض شود
 دین پر کرد و ناقص مسئله خواب کسی که از جوانی اربعه بدن برین جسماننده
 است یعنی دراز کشیده یا قنصت و خواب کسی که نشسته یا در و یا طاهر
 کشیده یا نیکه شسته چنانکه اگر در کرده شود و قضیه نیز ناقصت ^{مسئله}
 بیوشی و دیوانگی ناقصت ^{مسئله} ناقصت ^{مسئله} و ناقصت ^{مسئله} ناقصت وضو

مسئله در حدیث آمده که هر کس در وضو سه مرتبه مسح سر کند و در آن وضو خوی یا آب بنی انداختن یعنی اگر چه چارست و در آن وضو رین اما اینقدر است که کج

مذکور شد بیان بدم خدا صغر بود اما رفع حدت کبر که آن جنابت و حیض و نفاس است
 حال غشی شود مگر غسل باید و است که فرض در غسل سه چیز است ^{مضمضه سستنا} و ^{مضمضه سستنا}

و غسل ^{سستنا} حیض من و است در او است که اول غسل فرج و نجاست که بر بدن باد و است
 کرده بعد و ضوابطی سابق او نماید و اگر موضع غسل محتم آب شستنی را جدا شود
 بعد از غسل بشوید مسئله غسل یکساعت که گشت برین شاد است و مست و زیاده از
 دو از ده طول است و فصل شکننده وضو خروج نجاست از بدن می فصل ^{مسئله} ^{مسئله}

و غایط و باد و خون دریم و مانند آن وقت که پری این باشد یعنی اگر او را نبوا نند
 نکاشت گریز و تمام اگر چه تلخ باشد یا خون است یا طعام یا آب نبلعیم یا خون که بزاق
 بود مسئله اگر بکشوش خنم تر اندک اندک می کرد لیکن مهم بقدر است که اگر حیض شود
 دین پر کرد و ناقص مسئله خواب کسی که از جوانی اربعه بدن برین جسماننده
 است یعنی دراز کشیده یا قنصت و خواب کسی که نشسته یا در و یا طاهر
 کشیده یا نیکه شسته چنانکه اگر در کرده شود و قضیه نیز ناقصت ^{مسئله}
 بیوشی و دیوانگی ناقصت ^{مسئله} ناقصت ^{مسئله} و ناقصت ^{مسئله} ناقصت وضو

مسئله در حدیث آمده که هر کس در وضو سه مرتبه مسح سر کند و در آن وضو خوی یا آب بنی انداختن یعنی اگر چه چارست و در آن وضو رین اما اینقدر است که کج

مذکور شد بیان بدم خدا صغر بود اما رفع حدت کبر که آن جنابت و حیض و نفاس است
 حال غشی شود مگر غسل باید و است که فرض در غسل سه چیز است ^{مضمضه سستنا} و ^{مضمضه سستنا}

و غسل ^{سستنا} حیض من و است در او است که اول غسل فرج و نجاست که بر بدن باد و است
 کرده بعد و ضوابطی سابق او نماید و اگر موضع غسل محتم آب شستنی را جدا شود
 بعد از غسل بشوید مسئله غسل یکساعت که گشت برین شاد است و مست و زیاده از
 دو از ده طول است و فصل شکننده وضو خروج نجاست از بدن می فصل ^{مسئله} ^{مسئله}

و غایط و باد و خون دریم و مانند آن وقت که پری این باشد یعنی اگر او را نبوا نند
 نکاشت گریز و تمام اگر چه تلخ باشد یا خون است یا طعام یا آب نبلعیم یا خون که بزاق
 بود مسئله اگر بکشوش خنم تر اندک اندک می کرد لیکن مهم بقدر است که اگر حیض شود
 دین پر کرد و ناقص مسئله خواب کسی که از جوانی اربعه بدن برین جسماننده
 است یعنی دراز کشیده یا قنصت و خواب کسی که نشسته یا در و یا طاهر
 کشیده یا نیکه شسته چنانکه اگر در کرده شود و قضیه نیز ناقصت ^{مسئله}
 بیوشی و دیوانگی ناقصت ^{مسئله} ناقصت ^{مسئله} و ناقصت ^{مسئله} ناقصت وضو

فرض میشود غسل جمعه عیدین بر کسی را که در آن روز حج و عمره واجب است
و غسل و امریت یعنی بر مردان که حاضر اند یا راست که غسل کند مسئله کسب سنا
شده در اینکه حبس یا غسل او اگر حبس نباشد غسل سخت مسئله آب وضو
و غسل ششور و آنچه کثیر الوقوع است مسئله چاه از اجلا بگویم مسئله چاه بر حسب
خلیظ است اگر مقدار درم افتد بید شود وزن آن مقدار یا اوله است تقریباً و در بعضی
روایات که جماعه بر فقیه داده اند بعضی چاه یا آب اندک حکم غلیظ وارد
مسئله بول غده قوی خون و شرب پس اندازه مالک و بول مسکین چیزیکه گوشت
او خورد و بول مسکین چیزیکه گوشت او را خوردند بعضی غلیظ است نسبت بدن مذکور است
که مقدار درم با تمام کشتین شود و اگر کم نباشد و در بول کشند و بیشتر است
که قیاس کرده آنچه موجود بالفعل یا بکشند و علیه الفقیه من الا اکثر مسئله موت مثل
مسئله خرد تا بچه که در بول یا در وسط یا آنکه در رو کھصاع آب بگنجد بکشند و از بچه
که بوتر یا بچه که سفید چهل تا شصت بکشند و از بچه که سفید تا هر قدر که باشد
یا آنکه جوانی اما سیده یا اگر خرد بود و تمام بکشند مسئله چو چاه چشود سه روز
شبهای آن نماز کرد و اندک منقطع یا نبند و وقت وقوع معلوم نباشد و الا نماز
بکشد و در روز که در آن وضو و حن لعان احاطه نمایند سنت فجر در بعضی روایات
در وضو صبح نماز کنند و از وقتکه استغفار باشد حکم نماز کنند و گفته اند فتوی بر سنت ۱۳

در غسل و امریت یعنی بر مردان که حاضر اند یا راست که غسل کند مسئله کسب سنا
شده در اینکه حبس یا غسل او اگر حبس نباشد غسل سخت مسئله آب وضو
و غسل ششور و آنچه کثیر الوقوع است مسئله چاه از اجلا بگویم مسئله چاه بر حسب
خلیظ است اگر مقدار درم افتد بید شود وزن آن مقدار یا اوله است تقریباً و در بعضی
روایات که جماعه بر فقیه داده اند بعضی چاه یا آب اندک حکم غلیظ وارد
مسئله بول غده قوی خون و شرب پس اندازه مالک و بول مسکین چیزیکه گوشت
او خورد و بول مسکین چیزیکه گوشت او را خوردند بعضی غلیظ است نسبت بدن مذکور است
که مقدار درم با تمام کشتین شود و اگر کم نباشد و در بول کشند و بیشتر است
که قیاس کرده آنچه موجود بالفعل یا بکشند و علیه الفقیه من الا اکثر مسئله موت مثل
مسئله خرد تا بچه که در بول یا در وسط یا آنکه در رو کھصاع آب بگنجد بکشند و از بچه
که بوتر یا بچه که سفید چهل تا شصت بکشند و از بچه که سفید تا هر قدر که باشد
یا آنکه جوانی اما سیده یا اگر خرد بود و تمام بکشند مسئله چو چاه چشود سه روز
شبهای آن نماز کرد و اندک منقطع یا نبند و وقت وقوع معلوم نباشد و الا نماز
بکشد و در روز که در آن وضو و حن لعان احاطه نمایند سنت فجر در بعضی روایات
در وضو صبح نماز کنند و از وقتکه استغفار باشد حکم نماز کنند و گفته اند فتوی بر سنت ۱۳

در وضو صبح نماز کنند و از وقتکه استغفار باشد حکم نماز کنند و گفته اند فتوی بر سنت ۱۳

در وضو صبح نماز کنند و از وقتکه استغفار باشد حکم نماز کنند و گفته اند فتوی بر سنت ۱۳

Handwritten marginal notes at the top of the page, including the word 'صلوة' and other religious or medical text.

آمده است چنانکه در بجزایر این مکتور است و لکن اطمینان بالصواب مسئله عرق برقی حکم سور
او وارد و سور یعنی پس خورده آوی و است هر که گوشت او خورده باشد یا گسسته است و آن خورده است
و خنجر و درندگان با هم گسسته است و خورده که در برین عرق کوه که در وسیع الطیور و سواکن
سوت مثل موش و غیر مکره است و سوزن و خار شکو است اگر آب پاک موجود باشد و با وضو
تعمیم کند یا بگسل آن مسئله اگر آب باشد مگر بنید مرق و وضوین کندانین ظاهر روایت صحیح است که تیمم
کند و وضو نکند قال فی الجرح یتیم و لا یتوضأ به و قول الامام لخر و قد حج
الله و هو حکیم فصل در تیمم چون استعمال آن قادر نباشد از هر آنکه آب در دست یک
وان شستن نیز از دست بجز عاریت چهار انگشت که ذاتی البحر الرائق و غیره یا انگشت
و وضو نمیتواند در حکمت آنکه مریض زیاد میشود یا بدنی میکشد یا سردی بهتر است که
با استعمال آنجا سیر و یا رحمت قطعاً میشود این اخیر در لسان اتفاق روایات امام عظم
وضوح آنست که جاری نیست در غسل اگر قدرت برگرم کردن داشته باشد یا علاج
دیگر تواند کرد هم جاری نیست اگر چه بچوبه دفع سردی نتواند جاری است ذکره
فی البحر الرائق و غیره یا آنکه خوف درنده یا دشمن یا تشنگی باشد بر است که خوف
بر مال بود یا بر خود و تشنگی او را شود و یا رفیق او را یا جانور او را یا آنکه در لو یا برین
مخالط یا رفیق تا غدا

Extensive handwritten marginal notes on the left side of the page, providing commentary and additional information related to the main text.

Handwritten marginal notes at the bottom of the page, including the word 'صلوة' and other text.

لا بد از غسل کردن با وضو و اگر در وقت نماز باشد باید که وضو را با وضو بشوید و اگر در وقت دیگر باشد با وضو یا با آب و صابون بشوید و اگر در وقت نماز باشد باید که وضو را با وضو بشوید و اگر در وقت دیگر باشد با وضو یا با آب و صابون بشوید

در وقت نماز اگر وضو را با وضو بشوید و اگر در وقت دیگر باشد با وضو یا با آب و صابون بشوید و اگر در وقت نماز باشد باید که وضو را با وضو بشوید و اگر در وقت دیگر باشد با وضو یا با آب و صابون بشوید

که آن کشید یا آنکه از سبای مثل نی یا و به هم سرد در همه این صور تیمم جایز است بجز یک
از حدیثین است یعنی آنچه بسوختن در هیچ با خاک سرد و سوزیدن با روغن و کوبیدن
جایز نیست و طریقی است که در وقت زمین و خاک و در گرده بر تمام روی باله چنانکه هیچ
باقی نماند باز در زمین چهار است و چپ هر دو است از آنکه نشان گرفته تا رخ
رساند و یک دست بچپ است و دست از طرف آن رخ تا بندد رساند و باطن بر آن
چپ ظاهر انگشت است که درازند و بدو دیگر نیز چنانکه کند که اگر مشکلی از آن بجای آید
و غیره مسئله حدیث محدث هر دو تیمم یک طریقی است بسبب این که هر دو تیمم یک طریقی است
غبار طبیعت بعبارة نهانی جایز اگر زمین حاضر باین تیمم فرض است که از آن است
اگر تیمم کرده با نمازی تواند کرد بخلاف وضو و از آن است تا قاصم تیمم نمیشود
مسئله این است مسئله نمیشکند تیمم اگر قاصم وضو قدر است از آنجا مسئله
این تیمم نماز تا تیمم صحیح کند روی تیمم تا آخر جواز و الا اول صحیح مسئله جایز است
تیمم از روی آن که اگر از یک طرف خلافت است ای مسئله تیمم جایز است خوف فوت نماز جانه
مگر روی را وقتیکه خود را کند چون رخصت بعد از تیمم بذا موالتخار فی الهدیه قال
دیگر را پیش آن دیگر تیمم رویت است

در وقت نماز اگر وضو را با وضو بشوید و اگر در وقت دیگر باشد با وضو یا با آب و صابون بشوید و اگر در وقت نماز باشد باید که وضو را با وضو بشوید و اگر در وقت دیگر باشد با وضو یا با آب و صابون بشوید

در وقت نماز اگر وضو را با وضو بشوید و اگر در وقت دیگر باشد با وضو یا با آب و صابون بشوید و اگر در وقت نماز باشد باید که وضو را با وضو بشوید و اگر در وقت دیگر باشد با وضو یا با آب و صابون بشوید

در وقت نماز اگر وضو را با وضو بشوید و اگر در وقت دیگر باشد با وضو یا با آب و صابون بشوید و اگر در وقت نماز باشد باید که وضو را با وضو بشوید و اگر در وقت دیگر باشد با وضو یا با آب و صابون بشوید

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
الذين هم خاتم النبيين
مقام اصوله

قال في البحر الرائق ما عاين ظاهر الرواية فيجب التيمم لكل من وجد حرجا
لكن اهتراه ينظر و مراد از فوت در سابق تمام تکمیل است اگر چه بعضی تواند رسید
چایر نیست کفری البلیغ و اقلیه مسئله حجت و محدث و مخالف و نفسا همه و نیز در جواب
تیمم حازه مسئله بخت خوف فوت نماز عمدتیم جایز است اگر چه شروع بوضو کرده باشد
و بخت خوف فوت جایز نیست خلافاً للشافعیه مسئله اگر چه تیمم نماز کرد و آب فراوان
شده بود و منزل حاجت عاده نیست مسئله آب طلب کند اگر کمان باشد تا یک
تیر اندازد و اگر نه خنجر از فریق طلب کند اگر بهای مشاع هر یک و اگر داشته باشد
و اگر ندارد و میان زاده طلبد تیمم کند مسئله شخصی اگر اکثر اعضای غسل یا وضوی او
مخروج که برسد آب آزاری یا بد تیمم کند و اگر اکثر صحیح غسل و وضو کند
مسح باقی نماید و عتبار اکثر بعضی بعد و اعضا کرده اند بعضی سباحت قال
فی البحر الرائق لخلاف ناهو فی الوضوء و اما فی الغسل فالمعتبر
المساحه علی ناهو الظاهر و اگر هر دو مساوی باشد اختلاف است در فتوی
در وقت زانام است در هیچ صورتی در هیچ غسل نیاید مگر وقتیکه سوره اول بخواند
گشت باشد فصل صحیحین صحیح محدث را مرد باشد یا زن نه جنب را
اگر پوشیده بابر طهارت اما باید که طهارت وقت شستن تمام باشد خلافاً

در وقت نماز اگر آب فراوان باشد و بخت خوف فوت باشد تیمم جایز است
در وقت نماز اگر آب فراوان باشد و بخت خوف فوت باشد تیمم جایز است
در وقت نماز اگر آب فراوان باشد و بخت خوف فوت باشد تیمم جایز است
در وقت نماز اگر آب فراوان باشد و بخت خوف فوت باشد تیمم جایز است
در وقت نماز اگر آب فراوان باشد و بخت خوف فوت باشد تیمم جایز است

در وقت نماز اگر آب فراوان باشد و بخت خوف فوت باشد تیمم جایز است
در وقت نماز اگر آب فراوان باشد و بخت خوف فوت باشد تیمم جایز است
در وقت نماز اگر آب فراوان باشد و بخت خوف فوت باشد تیمم جایز است
در وقت نماز اگر آب فراوان باشد و بخت خوف فوت باشد تیمم جایز است
در وقت نماز اگر آب فراوان باشد و بخت خوف فوت باشد تیمم جایز است

در وقت نماز اگر آب فراوان باشد و بخت خوف فوت باشد تیمم جایز است
در وقت نماز اگر آب فراوان باشد و بخت خوف فوت باشد تیمم جایز است
در وقت نماز اگر آب فراوان باشد و بخت خوف فوت باشد تیمم جایز است
در وقت نماز اگر آب فراوان باشد و بخت خوف فوت باشد تیمم جایز است
در وقت نماز اگر آب فراوان باشد و بخت خوف فوت باشد تیمم جایز است

تمام وقت نماز است و اگر در وقت نماز در آن وقت نماز را در آن وقت نماز...
مسئله صحت بر جمیع انواع موزه نه بر عاصه و کلاه و برقع و دستار
مسئله مسح بر جیره اجرت و خرقه در حکم غسل و اگر پس موقت بوقت
مسئله مسح بر جیره اجرت و خرقه در حکم غسل و اگر پس موقت بوقت
مسئله مسح بر جیره اجرت و خرقه در حکم غسل و اگر پس موقت بوقت
مسئله مسح بر جیره اجرت و خرقه در حکم غسل و اگر پس موقت بوقت

مسئله مسح بر جیره اجرت و خرقه در حکم غسل و اگر پس موقت بوقت
مسئله مسح بر جیره اجرت و خرقه در حکم غسل و اگر پس موقت بوقت

الشاشی که وقت لبس در کارت ستمه که روز و شب مقیم را و سبه و روز
سافرا جائز است و حساب از وقت شدت ستمه بر ظاهر خفتن سحر
نگشت کند یکبار و شروع از انگشتان پای کند و تا ساق رساند و این سنت است
و در فرض مقدار سه انگشت است مسئله مقدار سه انگشت خرد پای اگر پاره باشد جائز است
وجع کرده شود و آنچه در یک موزه است بخلاف نجاست و کشف عورت در هر جا که باشد
نجس است مسئله میشکند هم را ناقص وضو و کشیدن موزه و گذاشتن بدت بشرط آنکه از
کشیدن خوف رفتن یا نباشد و بعد کشیدن باید بشوید فقط اگر وضو باشد
بر آوردن اگر قدم از داخل موزه در حکم خروج است مسئله اگر مسح کند مضمی بعد از وضو
قبل از مدت اقامت سه چهار روز تمام نماید و اگر مقیم شود و بعد از یک چهار روز فرود
آورد مسئله صحیح بر جمیع انواع موزه نه بر عاصه و کلاه و برقع و دستار
مسئله مسح بر جیره اجرت و خرقه در حکم غسل و اگر پس موقت بوقت
مسئله مسح بر جیره اجرت و خرقه در حکم غسل و اگر پس موقت بوقت
مسئله مسح بر جیره اجرت و خرقه در حکم غسل و اگر پس موقت بوقت
مسئله مسح بر جیره اجرت و خرقه در حکم غسل و اگر پس موقت بوقت

مسئله مسح بر جیره اجرت و خرقه در حکم غسل و اگر پس موقت بوقت
مسئله مسح بر جیره اجرت و خرقه در حکم غسل و اگر پس موقت بوقت

اگر ایچدر متجاوز از مخرج باشد و علیه الفتوی و قال محمد یحییٰ قدر الدرهم مع المنج
 و هو الا حوط مسئله استخوان پس انداخته چهار پایان و طعام و نمک نشسته
 پنجه و سفال پارچه خاکستر و گشت و حلف چهار پایان کاغذ مکروه است و ایضا
 بحق غیر مکروه است اگر چه از دیوار شده باشد مگر آنکه بقین دانند که بکار نخواهد آمد
 مسئله بدست راست استخوان مکروه است بخصوص حرمت است اگر حکم الا حر از باشد
 و گزیده مکروه است تا فرض نباشد بکنند بعد از آنکه با نجا اعلام کنند که چشم بگریزند
 مسئله مقابل و عارض قبله بول و غایط مکروه است اگر چه در عمارت باشد و اگر بر اموشی
 نشست اگر ممکن باشد بگردد و در خلاف است در استخوان بعضی بگردد و نمک نشسته
 پس بیاورد ۱۲
 عدم کراست اختیار نموده مسئله مقابل افتاب با ستاب نیز مکروه است و استاده بول
 کردن کراست دارد و کراست ضروری و در مقامیکه بول کند غسل و وضو نباید
 کرد که مکروه است و در زمین سخت تا نرم نکند بول کردن مکروه است و در وقت وزیدن
 باد مقابل آن مکروه است و در سوراخ جانور نیز مکروه است بدانکه در مسائل وضو
 و تیمم مسح خضین و آب وضو و غیره از مقدار نماز اختصار واقع شده هر که خواهد مسوح
 مسح و لایله و مسائل که با حق و منفی همه را مطالع نماید علیه ملاحظه فرماید الذاب بوجه الکتاب
 فانه کاف فی المسائل التفصیل و وافی المطالب العلیه انشاء الله تعالی

ببینا قدر الدرهم مع المنج
 و هو الا حوط مسئله استخوان
 پنجه و سفال پارچه خاکستر
 و گشت و حلف چهار پایان
 کاغذ مکروه است و ایضا
 بحق غیر مکروه است
 مسئله بدست راست استخوان
 مسئله مقابل و عارض قبله
 مسئله عدم کراست اختیار
 مسئله کردن کراست
 مسئله کرد که مکروه است
 مسئله باد مقابل آن
 مسئله و تیمم مسح خضین
 مسئله مسح و لایله و مسائل
 مسئله فانه کاف فی المسائل

۱۲
 انا بول ان
 لیس
 لیس
 لیس

حکم صلوة

باید در وقت نماز...
و اگر در وقت نماز...
و اگر در وقت نماز...

جمعه دووم جامی پاک کردن فرست اما طهارت موضع قدم با اتفاق جمیع روایات فرست و طهارت موضع سجود بر روایت اصح از امام عظیم است که در سجود ابو یوسف و محمد است و طهارت موضع بدن در کتفین و آنچه مجازی بل و سینه و غیره است در ظاهر الروایه شرط نیست و مختار فقیه ابو اللیث است که شرط تا آنکه اگر مقابل سینه یا بل شناخت با نماز فاسد و نیز ابو یوسف علی فی العیود و از شیخ ابن تیمیة من مسئله مصلی بر موضع نجس چه انداخته نماز میکند اگر سجالی است در سطحی که ستر عورت تواند کرد یعنی بدن نخواهد نمود نماز و ابان و الالا و اگر پایی افزار پوشیده نماز بر محل نجس کند نماز جایز است اگر فرود آورده گسترده بر روی است طهارت زیر که در صورت اول بجس قائمست بخلاف الثانی پس ستر عورت کردن فرست است آن از زمرات نمازیران و مرد را وزن حره را نام بدن ستر کردن و نماز فرست کرد روی هر دو کف دست و هر دو قدم علی فی الظاهر الروایه و در بعضی روایات قدم نیز عورت است این مختار فاضلین است و در غیباتی است شارح سنیه المصلی این بترجیح داوره و واه در حکم مرد است پشت و شکم که آن نیز عورت است و سینه تابع شکم است ذکره فی القیة کسر و زنا نماز اگر خود را برهنه بنید جایز است نماز و اصح روایات و در بعضی روایات نماز فاسد شود

باید در وقت نماز...
و اگر در وقت نماز...
و اگر در وقت نماز...

باید در وقت نماز...
و اگر در وقت نماز...
و اگر در وقت نماز...

باید در وقت نماز...
و اگر در وقت نماز...
و اگر در وقت نماز...

مقاله در خصوص

در این باب اختلافی است و بعضی معتقدند که...

و نیز بعضی معتقدند که اسب است و قائلند که بهتر کفن غیر مشرک است چنانکه در
 فیض الباری میگوید **اخْتَلَفُوا فِي التَّفْطِيحِ بَعْدَ الْإِثْقَانِ عَلَى أَنْ يَحْمَرَ**
غَيْرَ مَشْرُوعٍ مُطْلَقًا فَيْقِيلُ مَسْتَحَبٌّ قِيلَ بِدَعْوِيٍّ قِيلَ بَلْ وَكَانَ
لَمْ يَثْبُتْ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مِنْ
طَرِيقٍ صَحِيحٍ وَلَا ضَعِيفٍ أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ عِنْدَ الْإِفْتِيحِ
أَصْلِي كَذًا وَلَا عَنْ أَحَدٍ مِنَ الصَّحَابَةِ وَالتَّابِعِينَ وَفِي شَرْحِ الْمِنْبَيَّةِ
وَلَمْ يَنْقُلْ عَنِ الْأُمَّةِ الْأَرْبَعَةِ أَيضًا وَقَالَ فِي الْجَرِيدَةِ عَنِ النَّبِيِّ
أَنَّهُ مُسْتَحَبٌّ هُوَ الْمُخْتَارُ وَصَحَّحَهُ فِي الْمُجْتَبَى وَالْهُدَايَةِ وَ
الْكَاثِبِي وَالتَّبَيِينِ أَنَّهُ حَسَنٌ لِاجْتِمَاعِ الْعَزِيمَةِ وَالْخِتَارِ الشَّيْخِ
بْنِ هَامِطٍ أَنَّهُ يَدْعُهُمْ قَالَ فَكَّرْتُ مِنْ هَذَا أَنَّهُ بَدْعٌ حَسَنٌ
عِنْدَ قَصْدِ جَمْعِ الْعَزِيمَةِ وَلفظ هو بر تقدیر وقوع می باید که این باشد
أَصْلِي فَرَضَ الْوَقْتِ لِلَّهِ بِيْرًا يَنْكِرُ زِيَادًا وَلَا يَتْرُقُ شَوْدًا مَّا أَكْرَهَتْ نَوْتِ أَنْ
أَصْلِي لَيْتَهُمْ كَمَا فِي عَوَامٍ مَشْهُورَةٍ كَمَا مَوْفُونَ أَنَّ شِرْكًا مَدْرِيثُ مَسْتَحَبٌّ وَفِي فِقْهِ جَمَاعَةُ بَرَّالْوَقْتِ تَعْبُرُ بِكَ
وَأَنَّ الْمَوْفُونَ مَسْئَلَةَ الْأَقْدَمِيَّةِ بِأَنْتِ تَتَابَعْتَ إِيَّاهُمْ تَبْرُؤِي لِلْأَزْمَةِ مَسْئَلَةٌ أَمَّا
أَمَّا وَأَنْتِ تَسْتَقْبَالُ قِيَامَ الْبَيْتِ بِأَنَّ طَابَتْ الرَّاغِدِيَّةُ بِهَذَا إِيَّاهُمْ بِأَيْشَرِي فِي صَلَوةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

در این باب اختلافی است و بعضی معتقدند که...
 و نیز بعضی معتقدند که اسب است و قائلند که بهتر کفن غیر مشرک است چنانکه در
 فیض الباری میگوید اخْتَلَفُوا فِي التَّفْطِيحِ بَعْدَ الْإِثْقَانِ عَلَى أَنْ يَحْمَرَ
 غیر مشروع مطلقاً فیقیل مستحب قیل بدعوی قیل بل وکان
 لم یثبت عن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم من
 طریق صحیح و لا ضعیف انه کان یقول عند الافتیح
 اصلی کذا و لا عن احد من الصحابة و التابعین
 و فی شرح المنبیه و لم یقل عن الامه الاربعه
 ایضاً و قال فی الجریده عن النبی انه مستحب
 هو المختار و صححه فی المجتبى و الهدایة و
 الکافی و التبیین انه حسن لاجتماع العزیمه
 و الخیار الشیخ بن هامط انه یدعهم قال فکر
 من هذا انه بدع حسن عند قصد جمع
 العزیمه و لفظ هو بر تقدیر وقوع می باید که این باشد
 اصلی فرض الوقت لله بیزانیکر زیاداً و لا یتروک
 شؤداً ما اکرهت نوت ان اصلی لیتهم کما فی
 عوام مشهوره کما موفون ان شرکاً مدریث
 مستحب و فی فقه جماعه بر الوقت تعبر بک
 و ان الموفون مسأله الاقدمیه بانیت تتابعت
 ایهم تبرؤی للزمه مسأله اما امما و انت
 تقابل قیام البیت بان طابت الراغدیة بهذا
 ایهم یا شری فی صلوة النبی صلی الله علیه و آله
 و سلم

۲۶

در این باب اختلافی است و بعضی معتقدند که...

مفتاح اصوله

چندین وقت از نماز است که در آن وقت نماز واجب است و در آن وقت نماز مستحب است و در آن وقت نماز مکروه است و در آن وقت نماز حرام است

بنام امام و دخلت في صلاة الامام بكونه نزل وبعضى صحبته التبعين فرض كند والاصل
 الجواز كلك في سجود الراتق و در جمعة نيت به قاط فرض ظهر نماز جمعة كند والا فرض ادا نمیشود
 نزل و جميع علمای اخلافه اذ فرود در قنات تعین اول ظهر علیه او آخر ظهر نعهده كند والا
 ادا نمیشود و چنانکه از بحر این نظایر است لیکن در مسائل ششگانه کثیره غیر مطلقاً ظاهراً نیت کفایت
 فرموده اند و در بعضی گویند که مطلق و ترک و بلفظ واجب بگوید که اختلاف در وجوب
 اوست و صحیح است که در ترک واجب بگوید که مذنب امام عظم رضی و وجوب است و در نیت جنازه
 الصلوة لله والدعاء لله بگوید نیت اقتدا و کار نیست کل ذلك
 من البحر الراتق في مواضع شتى و او وقت نماز شناختن فرضت و وقت نماز
 فجر از صبح صامت تا طلوع آفتاب مستحب است و ای او تا خیرت یعنی در نصف ثانى از تمام
 وقت نماز بگذرد و تمام وقت او از صبح صامت تا طلوع آفتاب مقدار حصه هفتم
 از شب کافی خزانه الروایة عن جواهر الفتاوى نطقاً عن الامام افرودی فی باب
 الصوم وان جهار كبرى پا و بالا تقریباً میشود و رایام معتدله همین قیاس و
 در ایام شهابی طویلتر زیاده میشود و در قصیر کم میشود و نصف آخر تا بر آمدن انساب
 و در گرمی با کمین هر چند استوار بود مستحب است سر تا خنک تا وقتیکه اگر فساد نماز ظاهر
 شود عاده تواند کرد و در بحر این مستفاد میشود و کن صحیح سابقون تسار سفید است

در وقت نماز اگر کسی را چیزی یاد آید باید بگوید اللهم اغفر لی و در وقت نماز اگر کسی را چیزی یاد آید باید بگوید اللهم اغفر لی و در وقت نماز اگر کسی را چیزی یاد آید باید بگوید اللهم اغفر لی و در وقت نماز اگر کسی را چیزی یاد آید باید بگوید اللهم اغفر لی

در وقت نماز اگر کسی را چیزی یاد آید باید بگوید اللهم اغفر لی و در وقت نماز اگر کسی را چیزی یاد آید باید بگوید اللهم اغفر لی و در وقت نماز اگر کسی را چیزی یاد آید باید بگوید اللهم اغفر لی

ظاهر امر در افق باشد و رجوع والا آنچه تجربه معلوم میشود آنست که بعد از نشستار و رجوع
 تا طلوع از سه گری زیاده بنا و بعد از گذشتن از یک گری یا دو بالا پس نماز علی بن ابی طالب
 الا اختلاف نماز بعد از گذشتن از ^{کثره} تفاوتی است جهت باشد و آنست که علم وقت ^{ظن}
 از زوال آفتاب سایه هر چیزی بدو برابر است و برای سایه اصلی بر مذکور نام عظمت
 و اگر علم برین فتوی داده اند و تا رسیدن سایه هر چیزی برابر و سومی سایه اصلی بر رجوع
 ابو یوسف و محمد است بعضی علم برین فتوی داده اند صاحب بحر رایق صاحب قول اول
 از بنایع و محیط و تصحیح قدوری و نسفی و صدر شرح و غیاثه و غیره نقل نمایند ^{بله مستقیم}
 سایه اصلی بر پانزده طرف و این حقیر در رساله جداگانه بیان نموده است چنانکه حاصل آن
 درین آیه آورده است **آیات فی از حمل و نیم پاسوی است** تا ما ^{وز نور کرد}
 یکقدم جزا بود دسترا از نصف سرطان یکقدم سوی جنوبی میشود تا آخرش
 آن محوشد گشت تا سلک سایه و از سبب کرد و قدم و نیم از میزان شود
 از عقرب آن سه نیم شد و از قوس پنج نیم با و نصف جدی آن بهفت شد ^{شرف}
 شمالی بیش از دوازده شد ششم تا نیمه اش بن پنج را در پانزده مکن است
 در حوت چهار یار من تا آخرش نقصا بدان ای جان بنیم با بازار حمل و نیم
 هست که عاقلی عالم بشود بهر خدا کفر تو ای عیسوی این نظم را ^{بدر برابرهای}

در حدیثی است که در آنجا آمده است که هر که نماز را در این وقت بخواند...
 در حدیثی است که در آنجا آمده است که هر که نماز را در این وقت بخواند...
 در حدیثی است که در آنجا آمده است که هر که نماز را در این وقت بخواند...

مخارج صلوة

جدول متعلق صفحہ ۲۹

اقتباساً یہ اہلی باعقاف مشہور دائرہ گاہ حسابی و انگریزی دیندی اور بلحاظ شیئہ ہند کی مختلف مقامات دو قریب باطلوں میں با دو تیسین پر بلکہ از قاعہ الجہود اور اصل جہاد است از سایہ پر جزئی سنگام رسیدن مرکز آفتاب خط نصف النهار کہ وقت ظهر بر سنگام نوبل و نماز در دست و نماز قدم در بیجا مقیم حصر جزئی و نماز از دقیقہ در بیجا ششم قدم است و برای تشبہ حساب کسور توانی و اولت و غیرہ کارا در بیجا حذف کردہ شدہ باید دست کہ این حساب سحر جہت از جدول اظلال اقدام باراسہ درجات ارفاق از تک تا نوکہ در زیر کجا آورد و ملکہ استخراج اظلال با قدم ہست کہ درجات عرض بلکہ مطلوب اظلال را در ہفت و نیم ضرب نمایند و حاصل ضرب با ضربت تقسیم نمایند پس خارج قسمت اظلال اقدام باشد

مخارج اقصا	حل	ثور	جوزا	سرنگا	سد	سندھ	میزان	عقرب	قوس	جدی	دلو	حوت	در بروج اقصا عشر		
نطاق شمالی	دوہرہ	آزادگان	خوار	بیکوہ	راور	شکر	کھ	آب	آب	اس	بجین	انجینا	نطاق شمالی		
بجین	بجین	بجین	بجین	بجین	بجین	بجین	بجین	بجین	بجین	بجین	بجین	بجین	بجین		
بجین	بجین	بجین	بجین	بجین	بجین	بجین	بجین	بجین	بجین	بجین	بجین	بجین	بجین		
بجین	بجین	بجین	بجین	بجین	بجین	بجین	بجین	بجین	بجین	بجین	بجین	بجین	بجین		
اقلام و	دقیقہ	دقیقہ	دقیقہ	دقیقہ	دقیقہ	دقیقہ	دقیقہ	دقیقہ	دقیقہ	دقیقہ	دقیقہ	دقیقہ	اقلام و		
وقایع	قدم	قدم	قدم	قدم	قدم	قدم	قدم	قدم	قدم	قدم	قدم	قدم	وقایع		
اول	قدم	قدم	قدم	قدم	قدم	قدم	قدم	قدم	قدم	قدم	قدم	قدم	اول		
احمد نگر	۲۵	۵۵۲	۱۰+	۳۲+	۱۰+	۵۵+	۲۵	۸۲	۲۴۵	۲۴۴	۲۴۵	۸۲	۱۹	۱۹۲	دوم
دولت آباد	۳۴۳	۷۱	+	۲۱+	+	۷۱	۲۶۲	۲۳۲	۲۹	۲۵۴	۲۹	۲۳۲	۳۰	۱۱۱	دوم
سورت	۲۵۲	۱۳۱	۸+	۱۲+	۸+	۱۳۱	۲۵۲	۲۳۲	۱۲۴	۱۲۴	+	۱۲۴	۳۳۲	۱۱۰	دوم
کلکتہ	۵۰۲	۱۸	۱۳+	۱۱+	۱۳+	۱۵۱	۵۰۲	۲۹۲	۲۱۴	۸۷	۲۱۴	۲۹۲	۲۲	۱۲۲	دوم
بجین	۱۲۲	۲۷۱	۲۲	۱+	۲۲	۲۷۱	۱۲۲	۵۱۲	۲۷۷	۲۹۴	۲۷۷	۵۱۲	۱۵۲	۱۵۲	دوم
کالے	۱۵۳	۳۱۱	۳۲	۱۲+	۳۲	۳۱۱	۱۵۳	۱۱۵	۲۷۷	۵۴۷	۲۷۷	۱۱۵	۲۵	۱۱۴	دوم
بیت نامہ	۲۵۳	۲۹۱	۳۲	۱۹+	۳۲	۲۹۱	۲۵۳	۲۳۵	۱۹۷	۱۲۸	۱۹۷	۲۳۵	۲۴	۱۱۹	دوم
نبار سنگ	۲۶۳	۵۱۱	۳۳	۲۱	۳۳	۵۱۱	۲۷۷	۲۴۵	۲۳۷	۱۴۸	۲۳۷	۲۴۵	۳۴	۱۵۲	دوم
سولیمبر	۲۷۳	۵۱۱	۳۳	۲۱	۳۳	۵۱۱	۲۷۳	۲۴۵	۲۳۷	۱۴۸	۲۳۷	۲۴۵	۳۴	۱۲۰	دوم
جوپور	۲۸۳	۵۱۱	۳۳	۲۱	۳۳	۵۱۱	۲۸۳	۲۷۵	۲۳۷	۱۷۸	۲۳۷	۲۷۵	۳۴	۱۱۷	دوم

بر این پایه شمس که درین بیت است لاولالب لاولالب شمس است
 لک لک و کطلل شهر کوته است باید که نزول آفتاب در برج حمل که عبارت از
 فروردین است تحقیق کند بعد حساب تمام سال آسان میشود **قطعه** ز فروردی
 چو بگذشت مبر روی بهشت آید بود خرد او و تیر آنکه امر اداوت می نماید
 پس از شمس و روز و ماه و زمان آفریدی دان که برین جزا سفند از عذابای
 میفرماید **والله للوفیق** و مستحب در ادای ظهر در ایام صیف تا خیرت و حد و
 که بگذارد قبل از رسیدن شمس که در فی البحر الرایق یعنی چون وقت بلا گرفت است او نزول
 محققین تا مثل است و بعد از مثل الی اثلین بگردد تیزی میشود و بنا بر اختلاف اصحاب
 که نزد ایشان از مثل وقت ظهر است بلکه وقت عصر است و مشایخ طبرستان
 وقت لایبغی و ترک لاحتیاط گفته اند چنانکه در این تمام بحر الرایق مذکور است
 پس از تمامیت مثل اول بعد از نصف آن مثل مستحب باشد زیرا که حد تا خیر نصف
 آخر وقت است چنانکه تعجیل نصف اول وقت ذکره فی البحر الرایق و غیره و در ایام
 شتائیل ظهر مستحب و حد آن مذکور شد و تحقیق صیف و شتائست ایامیکه
 سردی هر روز زیاد تر گردد و شتائست و در ایامیکه گرمی هر روز زیاد تر گردد
 صیف و از ایامیکه سردی شروع کند و شتائست و از ایامیکه گرمی کمی کند و خیر است

لاولالب لاولالب
 شمس است
 لک لک و کطلل شهر کوته است

حرف اول
 حرف اول
 حرف اول

بحر الرایق
 بحر الرایق
 بحر الرایق

بحر الرایق
 بحر الرایق
 بحر الرایق

از عمل این
 از عمل این
 از عمل این

سواد ۱۲۰۰
 تاریخ اوقات
 و از نقل
 کتاب از روزی که نقل از امامان و اهل بیت است

و حال این پرونده مذکور شد و صاحب بحر الریق میگوید که آن خطا همیشه وقت کرب معجون
 شاست درین حکم و خریف بصیف است و وقت عصر
 بعد از وقت ظهر است علی اختلاف المذنبین یعنی بعد از مثلین بقول امام عظیم و بعد از مثل
 واحد بقول صاحبیه یک عایت امام عظیم بعد از مثل واحد وقت ظهری رود
 وقت عصر بعد از مثلین میشود پس آن مثل ثانی و وسط من الظهور العصر باشد بر جمله
 اقوال از راه تا غروب است الا تروا حسن زیاد که بقول او بعد از اصرار قرص تمام وقت
 عصر است بقول جمهور که هست تحریر است و مستحب نماز عصر تا خیر است تا آنکه قرص
 مستقیم شود در عمده یا معنی در صیف و شتا و صبح و خریف در نصف آخر تا که است
 بر سینه مستحب است که در ایامیکه ایر باشد چنانکه آید و وقت معجب
 بعد از غروب تا صیوت شفق است آن بیاض است در آنوقت که بعد از سرخ ظاهر میشود
 بر مذنب امام عظیم و همین قول ابو بکر صدیق و عمر فاروق و معاوی بن جبل و عائشه صدیقه
 رضی الله عنهم و بر مذنب صاحبیه عبارت از غریب است این قول ابن عمر بن عباس است
 اکثر محققین فتوی بر اول داده اند و همین سخنان را تاخرین بعضی فتوی بقول ثانی داده اند
 لیکن شیخ ابن تیمیّه میگوید که اسناد حدیث روایه و در روایه و مستحب در ایام معرب
 تعجیل است و خدا و در ایام تقدیر از نصف خیر گفته است اما شیخ ابن تیمیّه
 در روزان ۱۲ نام کتاب از جمهور در کتاب ۱۲

و در بعضی نسخ
 از روزی که نقل از امامان و اهل بیت است
 و در بعضی نسخ
 از روزی که نقل از امامان و اهل بیت است
 و در بعضی نسخ
 از روزی که نقل از امامان و اهل بیت است
 و در بعضی نسخ
 از روزی که نقل از امامان و اهل بیت است

و در بعضی نسخ
 از روزی که نقل از امامان و اهل بیت است
 و در بعضی نسخ
 از روزی که نقل از امامان و اهل بیت است

لا

توضیح در خصوص
تفاوت نماز در وقت
مختار و غیر مختار
در وقت مختار
در وقت غیر مختار

۴۳

که عصر بر وقت صبح است بگر است تحریمی زیرا که فصل از قضا است و اگر نماز نظر است
 تحریمی است و واجب است قضای او اگر قطع کند و اگر تمام کند از عهدی آنچه لازم است
 شده بر آید و نماز که بنزد واجب هم کرده تحریمیست و نماز خارجه بعضی مطلق گفته اند
 و گفته کارشود
 و بعضی گفته اند که در همان وقت حاضر شود و کرده است لیکن افضل تا خیر است و محسن در
 سخن تلاوت نیز گفته اند کل نماز فی الجواز الرقی و غیره و اگر است در طلوع مرتفع
 میگرد و بعد از برآمدن قدر نیزه و اگر در نیزه باشد بهتر است حال آنکه ادام که
 نظر میوه اند که در بقرض شمس نماز کرده است در طلوع و غروب هر گاه که وقت نفل و
 آنچه بنزد واجب است بعد از نماز فجر و عصر قضای فائده سخن تلاوت و صلاه خارجه
 که اینها با اگر است جایز است پس اگر شروع کند نفل در وقت جواز بعد و آنگاه کند
 باز و یکی ازین دو وقت با او نماید ساقط میشود و از و نه او حکم فی الحیط بنا و علیه اگر
 ست فجر شروع کرده فاسد کند آن واجب میشود پس بعد از نماز فجر قبل از
 طلوع اگر او کند جایز باشد بر تمام صحیح کذا فی الجواز الرقی و بعضی گفته اند که جایز
 است چنانکه در طهریه جلد است فجر گفته است شروع کرده بعد بکفرض بلا فرغ
 الیدین بگوید بعد قبل از سلام او نماید لیکن در شرح مجمع رد کرده است که در وقت مکروه
 قضای نفل یک شروع کرده است مکروه است با آنکه شروع کردن نفل قبل از وقت
 است

مفصل اصوله
مفصل اصوله
مفصل اصوله
مفصل اصوله
مفصل اصوله
مفصل اصوله
مفصل اصوله
مفصل اصوله

قیامت شرعا ذکره فی الجواز اربع هرگاه که منذ و حقی مکرره تحریمی باشد چنانکه
 گذشت منذ در حکمی مکرره تحریمی بطریق اولی خواهد بود چنانکه در بحر اریق در محل
 دیگر گفته است مسئله بعد از طلوع محرکه از سنت مجزئ که از دو قبل از مغرب وقت
 خطبه نقل بکنار مسئله در وقت باید که از آن بعد استقبال قبله و سخن نکوید و در وقت
 اقامت نیز چنین است و در اذان وقت صلوة و فلاح روی گرداند و در
 هر یک بار و هر دو انگشت در گوش کند و صلوة اقامت قار در میان اذان و تکبیر است
 مسئله اذان اگر قبل از وقت داده باشد یا داده کنند مسئله برای ادای هر فرض
 مکرره اذان و اقامت حکمت فائده برای اول کفایت میکند و مکرره است
 اذان حیث اقامت محدث و اذان زن و فاسق و شمس و دست نه اذان ظلام
 و ولد الزنا و تا بنی اعرابی و مکرر است که اذان و اقامت هر دو ترک کند مسافر نه
 اگر در خانه و در شهر مکرر و در جاه دیگر آواز مسجده است هر دو مکرر و در آن زمان
 بیکر بیت زمان است بگویند و الله اعلم مسئله در اذان سخن در ترجیح در شهادت
 نیست و بعد از فلاح و در اذان مجزئ و بار الصلوة خیر من النوم بگوید مسئله اقامت
 مثل اذان است بعد از فلاح او قد قامت الصلوة و بار میگوید مسئله در اذان
 در میان کلمات سکت کند قال فی البیت سبع یعنی کقول الله اکبر الله اکبر

خطبه جمع باشد از آن ۱۲
 اقامت نیز چنین است و در اذان وقت صلوة و فلاح روی گرداند و در هر یک بار و هر دو انگشت در گوش کند و صلوة اقامت قار در میان اذان و تکبیر است مسئله اذان اگر قبل از وقت داده باشد یا داده کنند مسئله برای ادای هر فرض مکرره اذان و اقامت حکمت فائده برای اول کفایت میکند و مکرره است اذان حیث اقامت محدث و اذان زن و فاسق و شمس و دست نه اذان ظلام و ولد الزنا و تا بنی اعرابی و مکرر است که اذان و اقامت هر دو ترک کند مسافر نه اگر در خانه و در شهر مکرر و در جاه دیگر آواز مسجده است هر دو مکرر و در آن زمان بیکر بیت زمان است بگویند و الله اعلم مسئله در اذان سخن در ترجیح در شهادت نیست و بعد از فلاح و در اذان مجزئ و بار الصلوة خیر من النوم بگوید مسئله اقامت مثل اذان است بعد از فلاح او قد قامت الصلوة و بار میگوید مسئله در اذان در میان کلمات سکت کند قال فی البیت سبع یعنی کقول الله اکبر الله اکبر

خطبه جمع باشد از آن ۱۲
 اقامت نیز چنین است و در اذان وقت صلوة و فلاح روی گرداند و در هر یک بار و هر دو انگشت در گوش کند و صلوة اقامت قار در میان اذان و تکبیر است مسئله اذان اگر قبل از وقت داده باشد یا داده کنند مسئله برای ادای هر فرض مکرره اذان و اقامت حکمت فائده برای اول کفایت میکند و مکرره است اذان حیث اقامت محدث و اذان زن و فاسق و شمس و دست نه اذان ظلام و ولد الزنا و تا بنی اعرابی و مکرر است که اذان و اقامت هر دو ترک کند مسافر نه اگر در خانه و در شهر مکرر و در جاه دیگر آواز مسجده است هر دو مکرر و در آن زمان بیکر بیت زمان است بگویند و الله اعلم مسئله در اذان سخن در ترجیح در شهادت نیست و بعد از فلاح و در اذان مجزئ و بار الصلوة خیر من النوم بگوید مسئله اقامت مثل اذان است بعد از فلاح او قد قامت الصلوة و بار میگوید مسئله در اذان در میان کلمات سکت کند قال فی البیت سبع یعنی کقول الله اکبر الله اکبر

خطبه جمع باشد از آن ۱۲
 اقامت نیز چنین است و در اذان وقت صلوة و فلاح روی گرداند و در هر یک بار و هر دو انگشت در گوش کند و صلوة اقامت قار در میان اذان و تکبیر است مسئله اذان اگر قبل از وقت داده باشد یا داده کنند مسئله برای ادای هر فرض مکرره اذان و اقامت حکمت فائده برای اول کفایت میکند و مکرره است اذان حیث اقامت محدث و اذان زن و فاسق و شمس و دست نه اذان ظلام و ولد الزنا و تا بنی اعرابی و مکرر است که اذان و اقامت هر دو ترک کند مسافر نه اگر در خانه و در شهر مکرر و در جاه دیگر آواز مسجده است هر دو مکرر و در آن زمان بیکر بیت زمان است بگویند و الله اعلم مسئله در اذان سخن در ترجیح در شهادت نیست و بعد از فلاح و در اذان مجزئ و بار الصلوة خیر من النوم بگوید مسئله اقامت مثل اذان است بعد از فلاح او قد قامت الصلوة و بار میگوید مسئله در اذان در میان کلمات سکت کند قال فی البیت سبع یعنی کقول الله اکبر الله اکبر

در وقت نماز غدا در این طرف و آن طرف
در وقت نماز برای وضو است با طرف دیگر
در وقت نماز با سجده است با طرف دیگر

قاف

در وقت نماز در هر دو طرف
در وقت نماز در هر دو طرف
در وقت نماز در هر دو طرف

۱۱

قبلا از آنست که مقابل کعبه
در وقت نماز در هر دو طرف
در وقت نماز در هر دو طرف

در وقت نماز در هر دو طرف
در وقت نماز در هر دو طرف
در وقت نماز در هر دو طرف

وَقِفْ لِتَقْوَى اللَّهِ أَكْبَرَ اللَّهُ أَكْبَرُ وَحُجَّةٌ فِي كُنُزِ الْعِبَادَةِ وَالْفَتَاوَى
 الصَّوْفِيَّةِ وَأَزْطَامِ عِبَارَتِ كَبْرِيَاءِ تَوْقِفِ فِي جَمِيعِ كَلِمَاتِ مَعْنُومِ حَشْوِ وَوَلَكِنْ
 إِذَا شَاءَ الْكَبِيرُ أَنْ يُوَدِّعَ وَاللَّهُ أَعْلَمُ **قاف** وَلَمْ يَكُنْ شَاخِصًا قَبْلَهُ وَبِسُجُودِ
 تَوَرُّونَ فِي تَمَامِ نَمَازِ فَرَضِ وَأَنْ يَرُودَ تَمَامِ سَجْدَةٍ حَرَامٌ وَبِحُجَّتِهَا كَعِبَتِ
 لَكِنْ فَرَضٌ حَقٌّ كَسَيِّدٍ حَاضِرٍ لَوْ دَانَتْ كَمَا مَقَابِلُ مِنْ أَنْ كَعْبَةٍ تَشُوُّ وَوَدَّ حَقٌّ كَسَيِّدٍ حَاضِرٍ
 سَتِ مَقَابِلِ حَيْثُ كَعْبَةٍ يَكُونُ مِنْ الْمَغْرِبِ إِلَى الْمَشْرِقِ وَبِالْمَشْرِقِ مِنْ الْمَشْرِقِ إِلَى الْمَغْرِبِ
 رَأَوْ قَوْمِي يَلِيقُ شِمَاخِصًا قَبْلَهُ قَطْبُ شَمَالِي سَتِ كَسَيِّدٍ فِي جَانِبِ مَشْرِقِ بَرَكُوشِ سَتِ
 أَوْتِ كَسَيِّدٍ فِي مَغْرِبِ سَتِ بِرُكُوفِ حَيْثُ أَوْتِ كَسَيِّدٍ فِي مَغْرِبِ سَتِ
 مَقَابِلِ أَوْتِ كَسَيِّدٍ فِي شَمَالِ كَعْبَتِ لَيْسَتْ أَوْتِ وَنَيْتِ سَتِ مَقَابِلِ
 قَبْلَهُ فِي بَعْضِ رِوَايَاتِ فَرَضِ كَقَوْلِهِ لَكِنْ صَحِيحٌ بِهِنَّ سَتِ كَفَرَضِ سَتِ بَلْكَه
 وَرِبْدَالِغٍ وَغَيْرِهِ كَقَوْلِهِ سَتِ كَفَضْلِ سَتِ سَتِ مَقَابِلِ كَعْبَةٍ يَكُونُ مِنْ الْمَغْرِبِ إِلَى الْمَغْرِبِ
 مَحَاوِزَاتِ وَاقِعٌ تَشُوُّ نَمَازٌ جَائِزٌ بِمَا شَاءَ مِنْهُ مَسْئَلَةٌ هُوَ كَعْبَةٍ فِي مَقَابِلِ كَعْبَةٍ
 فِي عَمْدَةِ الْفَتَاوَى الْكَبِيرَةِ إِذْ لَفَعَتْ عَنْ كَأَنَّهَا رِبْدَالِغَةُ أَصْحَابِ الْكِرَامِ فِي
 تِلْكَ لِحَالِ جَازَتْ صَلَاةُ الْمُتَوَجِّهِينَ إِلَى أَرْضِهَا كَذَلِكَ فِي
 الْجَمْعِ الرَّائِقِ مَسْئَلَةٌ أَلَمْ يَكُنْ فِي مَقَابِلِ كَعْبَةٍ نَمَازٌ كَرِهُوا لَهَا كَعْبَةً فِي مَقَابِلِ كَعْبَةٍ
 فِي مَقَابِلِ كَعْبَةٍ نَمَازٌ كَرِهُوا لَهَا كَعْبَةً فِي مَقَابِلِ كَعْبَةٍ

در وقت نماز در هر دو طرف
در وقت نماز در هر دو طرف
در وقت نماز در هر دو طرف

در وقت نماز در هر دو طرف
در وقت نماز در هر دو طرف
در وقت نماز در هر دو طرف

در وقت نماز در هر دو طرف
در وقت نماز در هر دو طرف
در وقت نماز در هر دو طرف

در وقت نماز در هر دو طرف
در وقت نماز در هر دو طرف
در وقت نماز در هر دو طرف

در وقت نماز در هر دو طرف
در وقت نماز در هر دو طرف
در وقت نماز در هر دو طرف

در وقت نماز در هر دو طرف
در وقت نماز در هر دو طرف
در وقت نماز در هر دو طرف

در وقت نماز در هر دو طرف
در وقت نماز در هر دو طرف
در وقت نماز در هر دو طرف

بنا بر این که در هر دو صورت اگر چه در بعضی موارد تفاوتی در کیفیت است اما در اصل هر دو یکسان است و در هر دو صورت اگر چه در بعضی موارد تفاوتی در کیفیت است اما در اصل هر دو یکسان است

فرض میکند اما کافر نیست زیرا که بعد از ترک هیت کعبه جایز است بخلاف کسی که
 بی وضو نماز گزارد کافر میشود زیرا که هیچ حال نمازی طهارت نیست یا حتی باکی
 ترست کذا فی البحر الرائق لیکن مستفاد از قواعد اصول است که تا اعتقاد و جواز نکند
 کافر نیست اما چون دلالت بر بی ادبی میکند ظاهر اینها در علم حکم کفر کرده
 باشند و الله اعلم مسئله هر که خوف دارد از دشمن یا از شیطان یا نحوها جایز است
 او را ترک استقبال قبله کند هر طرف که قادر باشد نماز او انما بد مسئله هر که مشیت
 شود قبله فکر تمام کنیزان هیت که دل قرار گیرد نماز او کند بعد از نماز خطا ظاهر شود
 اعاده نکند و اگر درین نماز معلوم شود بگرد و اگر جماعتی تخم می گردند و حال معلوم نیست
 نماز کسی که مشیت امامت جایز باشد این هیت فرض که مذکور شد با شریعت معروف است
 زیرا که داخل نماز نیستند و هیت دیگر که پیشتر آید با سمرکان مشهور است از آن در تکبیر
 اختلاف واضح و مختار و در بحر رائق است که شریعت بعضی محققین رکن گفته
 اند و شش دیگر که مذکور شد و بلا خلاف رکن است نزد کسی که نصیبت آنها
 قائل شمس اند و قائل مع خلاف در تحریر طاهر میشود و در بنائیل بر تکبیر فرض
 که آن جایز است نزدیک شریعت میگوید و جایز نیست نزدیک کسی که بگوید سعی بلکه بعد
 از قبیل از سلام فرض نفلی برود بنا کند مختلف فیه است و هیچ جواز است

در هر دو صورت اگر چه در بعضی موارد تفاوتی در کیفیت است اما در اصل هر دو یکسان است و در هر دو صورت اگر چه در بعضی موارد تفاوتی در کیفیت است اما در اصل هر دو یکسان است

بنا بر این که در هر دو صورت اگر چه در بعضی موارد تفاوتی در کیفیت است اما در اصل هر دو یکسان است و در هر دو صورت اگر چه در بعضی موارد تفاوتی در کیفیت است اما در اصل هر دو یکسان است

بعضی این شرط گفته اند و بعضی رکن و صحیح و منفی بدست آمده خلاف ظاهر میشود و در بنای نماز نفل بر بجزیه فرض بنا بر قول ائمه است بنا بر جایزیت و بنا بر کثرت جایزیه چنانکه گذشت مسئله شخصی اگر حامل نجاست یا محرّف از قبل یا مکشوف العورت در وقت تکبیر یا متصل فرغ از تکبیر نجاست و در کرد یا بسوی قبل یا تبیل اندک ستر حال نبود جایز است و شرط است که وقت تکبیر تمامه باشد کافی الباقی این مسئله اگر در جماعت و بسوی کوع یا مل کشیده تکبیر گفت نماز جایز است اگر بسوی کوع نزو بگیرد باشد و اگر بسوی قیام نگیرد جایز است و همین یک تکبیر گفت میسکند در آنچه ذکره فی فتح اقدیر و بروایتی تا دو نگوید نماز صحیح نیست ذکره فی جواهر الفناوی مسئله اگر قبل از امام تکبیر گفت نماز جایز است اگر بلفظ الله فقط گفته باشد و اگر بعد از او باشد لیکن قبل از او تمام کرد جایز بر قول بعضی به خلافاً لابن یوسف کذا فی البجالی این مسئله اگر در شروع نماز بجای تکبیر الله اعظم یا اللهم صلّ یا سبحان الله یا احمده الله یا لا اله الا الله گوید جایز است و اگر یا اللهم اعظم لی و مانند آن نیز قسم دعا شروع کند جایز نیست و همین است که تعظیم حق سبحانه و تعالی منطلقاً بسبب نطق است باشد و در دعا مطلوب است و مسئله اگر چیزی که دلالت بر تمجید یا تحمیل یا تعظیم میسکند تعبیر فارسی بدین زبان است چنانکه قرأت بفارسی و در بعضی جایز است لیکن چون در نص قرآن و

بعضی این شرط گفته اند و بعضی رکن و صحیح و منفی بدست آمده خلاف ظاهر میشود و در بنای نماز نفل بر بجزیه فرض بنا بر قول ائمه است بنا بر جایزیت و بنا بر کثرت جایزیه چنانکه گذشت مسئله شخصی اگر حامل نجاست یا محرّف از قبل یا مکشوف العورت در وقت تکبیر یا متصل فرغ از تکبیر نجاست و در کرد یا بسوی قبل یا تبیل اندک ستر حال نبود جایز است و شرط است که وقت تکبیر تمامه باشد کافی الباقی این مسئله اگر در جماعت و بسوی کوع یا مل کشیده تکبیر گفت نماز جایز است اگر بسوی کوع نزو بگیرد باشد و اگر بسوی قیام نگیرد جایز است و همین یک تکبیر گفت میسکند در آنچه ذکره فی فتح اقدیر و بروایتی تا دو نگوید نماز صحیح نیست ذکره فی جواهر الفناوی مسئله اگر قبل از امام تکبیر گفت نماز جایز است اگر بلفظ الله فقط گفته باشد و اگر بعد از او باشد لیکن قبل از او تمام کرد جایز بر قول بعضی به خلافاً لابن یوسف کذا فی البجالی این مسئله اگر در شروع نماز بجای تکبیر الله اعظم یا اللهم صلّ یا سبحان الله یا احمده الله یا لا اله الا الله گوید جایز است و اگر یا اللهم اعظم لی و مانند آن نیز قسم دعا شروع کند جایز نیست و همین است که تعظیم حق سبحانه و تعالی منطلقاً بسبب نطق است باشد و در دعا مطلوب است و مسئله اگر چیزی که دلالت بر تمجید یا تحمیل یا تعظیم میسکند تعبیر فارسی بدین زبان است چنانکه قرأت بفارسی و در بعضی جایز است لیکن چون در نص قرآن و

بعضی این شرط گفته اند و بعضی رکن و صحیح و منفی بدست آمده خلاف ظاهر میشود و در بنای نماز نفل بر بجزیه فرض بنا بر قول ائمه است بنا بر جایزیت و بنا بر کثرت جایزیه چنانکه گذشت مسئله شخصی اگر حامل نجاست یا محرّف از قبل یا مکشوف العورت در وقت تکبیر یا متصل فرغ از تکبیر نجاست و در کرد یا بسوی قبل یا تبیل اندک ستر حال نبود جایز است و شرط است که وقت تکبیر تمامه باشد کافی الباقی این مسئله اگر در جماعت و بسوی کوع یا مل کشیده تکبیر گفت نماز جایز است اگر بسوی کوع نزو بگیرد باشد و اگر بسوی قیام نگیرد جایز است و همین یک تکبیر گفت میسکند در آنچه ذکره فی فتح اقدیر و بروایتی تا دو نگوید نماز صحیح نیست ذکره فی جواهر الفناوی مسئله اگر قبل از امام تکبیر گفت نماز جایز است اگر بلفظ الله فقط گفته باشد و اگر بعد از او باشد لیکن قبل از او تمام کرد جایز بر قول بعضی به خلافاً لابن یوسف کذا فی البجالی این مسئله اگر در شروع نماز بجای تکبیر الله اعظم یا اللهم صلّ یا سبحان الله یا احمده الله یا لا اله الا الله گوید جایز است و اگر یا اللهم اعظم لی و مانند آن نیز قسم دعا شروع کند جایز نیست و همین است که تعظیم حق سبحانه و تعالی منطلقاً بسبب نطق است باشد و در دعا مطلوب است و مسئله اگر چیزی که دلالت بر تمجید یا تحمیل یا تعظیم میسکند تعبیر فارسی بدین زبان است چنانکه قرأت بفارسی و در بعضی جایز است لیکن چون در نص قرآن و

بعضی این شرط گفته اند و بعضی رکن و صحیح و منفی بدست آمده خلاف ظاهر میشود و در بنای نماز نفل بر بجزیه فرض بنا بر قول ائمه است بنا بر جایزیت و بنا بر کثرت جایزیه چنانکه گذشت مسئله شخصی اگر حامل نجاست یا محرّف از قبل یا مکشوف العورت در وقت تکبیر یا متصل فرغ از تکبیر نجاست و در کرد یا بسوی قبل یا تبیل اندک ستر حال نبود جایز است و شرط است که وقت تکبیر تمامه باشد کافی الباقی این مسئله اگر در جماعت و بسوی کوع یا مل کشیده تکبیر گفت نماز جایز است اگر بسوی کوع نزو بگیرد باشد و اگر بسوی قیام نگیرد جایز است و همین یک تکبیر گفت میسکند در آنچه ذکره فی فتح اقدیر و بروایتی تا دو نگوید نماز صحیح نیست ذکره فی جواهر الفناوی مسئله اگر قبل از امام تکبیر گفت نماز جایز است اگر بلفظ الله فقط گفته باشد و اگر بعد از او باشد لیکن قبل از او تمام کرد جایز بر قول بعضی به خلافاً لابن یوسف کذا فی البجالی این مسئله اگر در شروع نماز بجای تکبیر الله اعظم یا اللهم صلّ یا سبحان الله یا احمده الله یا لا اله الا الله گوید جایز است و اگر یا اللهم اعظم لی و مانند آن نیز قسم دعا شروع کند جایز نیست و همین است که تعظیم حق سبحانه و تعالی منطلقاً بسبب نطق است باشد و در دعا مطلوب است و مسئله اگر چیزی که دلالت بر تمجید یا تحمیل یا تعظیم میسکند تعبیر فارسی بدین زبان است چنانکه قرأت بفارسی و در بعضی جایز است لیکن چون در نص قرآن و

مسئله

وهریک فکیر و اقصت بنا برین غیر لفظ الله اکبر که دست بخوابد یا تریباً
 و مختار تحریک که عمل این سرور صلی الله علیه و آله و سلم یا می الله اکبر بود و لا غیر ذکره
 فی البحر الرائق مسئله اگر بسم الله الرحمن الرحیم شروع کند جایزه از بعضی چرکه و گنا
 بر عظیم میکنند و جایز نیست نزد جماعت چرکه در معنی اللهم بارک لی فی هذا میشود
 و امام زلیحی ترجیح اخیر کرده شرح میدهد گفته است که این شصت و در بحر الرائق
 ترجیح جواز نموده بدلیل تسمیه در بیچ و الله اعلم مسئله در وقت تکبیر گفتن دست
 را شصین برآورد که مستحب مسئله اگر الف الله کند شروع در نماز صحت است و
 کمر است اگر عمد باشد و محسن اگر بف الف اکبر یا بای اکبر بگوید و اگر مدای الله کند
 خطاست از روی لغت و محسن مدار خطاست و مدلام الله صواب است کذا فی
 فتح القدر لیکن این را نیز در از نکشد ذکره الجلی فی حاشیه شرح الوقایه مسئله
 شرط در یافتن ثواب تکبیر اولی که در حدیث خیر من الدنیا و ما فیها
 و ائت است که متن امام باور بروایتی تا در شاست و بروایتی تا در فاتح است
 و هو المختار فی الخلاصه و بروایتی تا در رکعت اولی است قال فی الضمیر
 هذا اوسع بالناس قاف و دوم قیاست و افرست بافق
 هر سیکه قادر است بر آن واحد او است که چون دست دراز کند بر آن نرسد

در جایزه از بعضی چرکه و گنا
 در معنی اللهم بارک لی فی هذا میشود
 در وقت تکبیر گفتن دست
 را شصین برآورد که مستحب مسئله
 اگر بف الف الله کند شروع در نماز
 صحت است و کمر است اگر عمد باشد
 و محسن اگر بف الف اکبر یا بای اکبر
 بگوید و اگر مدای الله کند خطاست
 از روی لغت و محسن مدار خطاست
 و مدلام الله صواب است کذا فی
 فتح القدر لیکن این را نیز در از
 نکشد ذکره الجلی فی حاشیه شرح
 الوقایه مسئله شرط در یافتن
 ثواب تکبیر اولی که در حدیث خیر
 من الدنیا و ما فیها و ائت است که
 متن امام باور بروایتی تا در شاست
 و بروایتی تا در فاتح است و هو
 المختار فی الخلاصه و بروایتی تا
 در رکعت اولی است قال فی الضمیر
 هذا اوسع بالناس قاف و دوم
 قیاست و افرست بافق هر سیکه
 قادر است بر آن واحد او است که
 چون دست دراز کند بر آن نرسد

۳۹

باب دوم

در این باب از بعضی چرکه و گنا
 بر عظیم میکنند و جایز نیست
 نزد جماعت چرکه در معنی اللهم
 بارک لی فی هذا میشود و امام
 زلیحی ترجیح اخیر کرده شرح
 میدهد گفته است که این شصت
 و در بحر الرائق ترجیح جواز
 نموده بدلیل تسمیه در بیچ و
 الله اعلم مسئله در وقت تکبیر
 گفتن دست را شصین برآورد که
 مستحب مسئله اگر بف الف الله
 کند شروع در نماز صحت است و
 کمر است اگر عمد باشد و محسن
 اگر بف الف اکبر یا بای اکبر بگوید
 و اگر مدای الله کند خطاست از
 روی لغت و محسن مدار خطاست
 و مدلام الله صواب است کذا فی
 فتح القدر لیکن این را نیز در از
 نکشد ذکره الجلی فی حاشیه شرح
 الوقایه مسئله شرط در یافتن
 ثواب تکبیر اولی که در حدیث
 خیر من الدنیا و ما فیها و ائت
 است که متن امام باور بروایتی
 تا در شاست و بروایتی تا در
 فاتح است و هو المختار فی
 الخلاصه و بروایتی تا در رکعت
 اولی است قال فی الضمیر هذا
 اوسع بالناس قاف و دوم قیاست
 و افرست بافق هر سیکه قادر
 است بر آن واحد او است که چون
 دست دراز کند بر آن نرسد

در این باب از بعضی چرکه و گنا
 بر عظیم میکنند و جایز نیست
 نزد جماعت چرکه در معنی اللهم
 بارک لی فی هذا میشود و امام
 زلیحی ترجیح اخیر کرده شرح
 میدهد گفته است که این شصت
 و در بحر الرائق ترجیح جواز
 نموده بدلیل تسمیه در بیچ و
 الله اعلم مسئله در وقت تکبیر
 گفتن دست را شصین برآورد که
 مستحب مسئله اگر بف الف الله
 کند شروع در نماز صحت است و
 کمر است اگر عمد باشد و محسن
 اگر بف الف اکبر یا بای اکبر بگوید
 و اگر مدای الله کند خطاست از
 روی لغت و محسن مدار خطاست
 و مدلام الله صواب است کذا فی
 فتح القدر لیکن این را نیز در از
 نکشد ذکره الجلی فی حاشیه شرح
 الوقایه مسئله شرط در یافتن
 ثواب تکبیر اولی که در حدیث
 خیر من الدنیا و ما فیها و ائت
 است که متن امام باور بروایتی
 تا در شاست و بروایتی تا در
 فاتح است و هو المختار فی
 الخلاصه و بروایتی تا در رکعت
 اولی است قال فی الضمیر هذا
 اوسع بالناس قاف و دوم قیاست
 و افرست بافق هر سیکه قادر
 است بر آن واحد او است که چون
 دست دراز کند بر آن نرسد

در روز بیست و نهمین و در روز بیست و دهمین و در روز بیست و نهمین و در روز بیست و دهمین

کذا فی البحر الرائق و هر دو قدم تا میان زمین رسانیدن مستحب است که در فی البحر جدید می باید
که بار بر هر دو پای بر آید که در فی الکیفانی و فی العیاشیه انه یکره الراجح من المتقین
و نحوه فی روضه و کجوزا و اطال القیام من هو افضل کما فی خزانه الروایه مسلم
مریضی که قادر باشد بر قیام نه بر رکوع و سجود مختیر است و قعود او را با پای رکوع
و جودا فضیلت کذا فی شرح الوقایه مسلم شخصی ضعیف است اگر روزه فرض ندارد و
ناز استاده بیکرارد و اگر در نشتسته میتواند ذکر و روزه دارد و نشتسته ناز کرارد
و همچنین اگر استاده میشود سیلان حرمت ظاهر میشود نشتسته بگرارد و قیام جایز
نیست کذا فی تالیف الصلی میباید که وقت قیام فرق در میان هر دو قدم چهار
گشت با و بین پنج پا نذ که منتهی است ذکره فی اکثر العباد قاف سوم
قرات است آن نیز فرقت بالاجمل و صد او است که صحیح حروف بزبان کند
بیشتری که خود شنود و موافق و مقدار آن یکایت درازیا کوتاها بشرط آنکه
دو کلمه یا زیاده باشد بخو قوله تعالی شَمَّ اَدْبُرًا و استکبر اگر یک
کلمه باشد مثل مُدَّ هَامَتَانِ یا یک حرف باشد مخصوص وق
مشایخ و رحمت نماز جهل کرده اند و صحیح عدست نزد اکثر صاحب بحر رائق
عدم صحت قبول نماز و در مثل ص نه در مثل مُدَّ هَامَتَانِ است لا بقول

در روز بیست و نهمین و در روز بیست و دهمین و در روز بیست و نهمین و در روز بیست و دهمین

سوم

در روز بیست و نهمین و در روز بیست و دهمین و در روز بیست و نهمین و در روز بیست و دهمین

حجاب بدون استیجاب از ولایت و شهادت
در عیال و در عیال و در عیال و در عیال
حجاب بامام شریعت از ولایت و شهادت
در عیال و در عیال و در عیال و در عیال

الأقوال الاستجابیة و غیره مسأله اگر یکایت دراز مثل آیه الکرسی در رکعت بخوانند نماز
جایز است نزد بعضی صحیح است که جایز نیست کذا فی البر خدی عن الطبرسی و عن الکافی
بعضی در دوم ۱۲
الأصح انه يجوز وعليه عامة المشايخ كذا في البحر الرائق مسأله قنوت فرض است
اصح آنکه جایز است ۱۳
در دو رکعت از فرض ثنالی باشد یا غیره اولین باشد یا آخرین یا اصد اللولین
و احد الاخرین و در و ثل و فعل در هر رکعت فرض است مسأله اکتفا بر فرض
قرآت کردن سجده کرده تحریمی است و اگر حذر فوت وقت باشد جایز است
و این مخصوص بخدمت نرو امام نبرد وی و عام است بر همه نماز ما نرو امام
مغنیانی این بخدمت اعظم است اما نرو صاجیه یکایت دراز یا سه آیت
کوتاه در مطلق نماز فرض است و این قول رایج گفته است در کتاب سراجت حیات
کذا فی البحر الرائق مسأله فرضیت قرآت در حق غیر حسن است همچنین بر
غیر مقتد است که او را در نماز یک امام هر بخواند مکروه است اما در غیر جه اختلاف
مشایخت کذا فی البر خدی و امام محمد قرآت فاتحه مستحسن میداند بکرواتی
ذکره فی الهدایة نسکے رکوع در نماز فرض است حد رکوع نرو اکثر که شد
است مطلقاً و نزد بعضی کج کردن پشت است در شرح میند این روایت را
حسن گفته و بعضی گفته اند اگر بسوی قیام اقر است رکوع معنی شود

خواب و انقض شد تمام نماز
جایز نیست ۱۴
اما در فرضیت کج کردن نماز
بیش نماز صلوة و در نظر آن
بنا بر فرضیت کج نماز است
چون اگر در نماز اولی در چهار
محل ترک شود نماز باطل
لازم نماید و اما در نوبتی
تعمیراً کار از نبودن از آن
و اقامت بر آن است
شد ۱۵
وقت آن بعد از آن از
فی العالم کسب و کسب
صیغیه ضمیمه برکت است
باز در وقت

عظماً و سببه
آیه بنی کذلک
و یا بنی کذلک
آن که بنی کذلک
آن که بنی کذلک
آن که بنی کذلک
آن که بنی کذلک

و اگر بر یک بر وجه سنت مسطه نظر ادا کند اقرب است او میشود و ذکره فی
الخلاصه و غیره بالجمله میباید که دست بر افرو برسد و الا در اصل قیامت چنانکه بالا
در حد قیامت از بجز رایت مذکور شد و این در وقت که نماز استاده کند اگر نشسته
ادا نماید باید که جنبه مقابل سینه شود و تا حاصل آید رکوع گذافی البر جنبه می
مسئله کوز پشت که قامت او بر رکوع رسیده کفایت میکند و در اسپرین
ذکره فی البحر الرائق و البر خدی مسئله وقتیکه رکوع نکرده و از قیامت مسجده رفت باید
که بر سنت انتقال کرد و نماز فاسد شود و اگر کج شد در میان مثل شتر نماز
باقی ماند که در فی الخلاصه و بسبب همین گفته اند که وقت انتقال از قومه رکوع است
بنشینند و الا در رکوع لازم می آید که موجب نقصان است از عمل که باعث بیادنی
در نماز است مسین بجز یعنی هر دو سجده در نماز فرض است و آن نهادن بر زمین است
بر زمین جنبه پایانی و اینقدر صحبت فرض کفایت میکند در ظاهر الرواۃ لیکن
مکروه است تحریر کتابیری ازینها بسبب وجوب نهادن هر دو کفافی فتح القدر
و البحر الرائق مسئله کتابه بجهت در ادای فرض کفایت میکند بالاتفاق
من الثلثه و اما کتابه بر منی فقط پس نزد امام عظیم جایز است نه نزد صاحبیه و قوی
بر قول ایشانست و بعضی بر اینند که نزد صاحبیه نهادن هر دو مسطه است
و بعضی میگویند که در نماز هر دو مسطه است

و اگر بر یک بر وجه سنت مسطه نظر ادا کند اقرب است او میشود و ذکره فی
الخلاصه و غیره بالجمله میباید که دست بر افرو برسد و الا در اصل قیامت چنانکه بالا
در حد قیامت از بجز رایت مذکور شد و این در وقت که نماز استاده کند اگر نشسته
ادا نماید باید که جنبه مقابل سینه شود و تا حاصل آید رکوع گذافی البر جنبه می
مسئله کوز پشت که قامت او بر رکوع رسیده کفایت میکند و در اسپرین
ذکره فی البحر الرائق و البر خدی مسئله وقتیکه رکوع نکرده و از قیامت مسجده رفت باید
که بر سنت انتقال کرد و نماز فاسد شود و اگر کج شد در میان مثل شتر نماز
باقی ماند که در فی الخلاصه و بسبب همین گفته اند که وقت انتقال از قومه رکوع است
بنشینند و الا در رکوع لازم می آید که موجب نقصان است از عمل که باعث بیادنی
در نماز است مسین بجز یعنی هر دو سجده در نماز فرض است و آن نهادن بر زمین است
بر زمین جنبه پایانی و اینقدر صحبت فرض کفایت میکند در ظاهر الرواۃ لیکن
مکروه است تحریر کتابیری ازینها بسبب وجوب نهادن هر دو کفافی فتح القدر
و البحر الرائق مسئله کتابه بجهت در ادای فرض کفایت میکند بالاتفاق
من الثلثه و اما کتابه بر منی فقط پس نزد امام عظیم جایز است نه نزد صاحبیه و قوی
بر قول ایشانست و بعضی بر اینند که نزد صاحبیه نهادن هر دو مسطه است
و بعضی میگویند که در نماز هر دو مسطه است

و اگر بر یک بر وجه سنت مسطه نظر ادا کند اقرب است او میشود و ذکره فی
الخلاصه و غیره بالجمله میباید که دست بر افرو برسد و الا در اصل قیامت چنانکه بالا
در حد قیامت از بجز رایت مذکور شد و این در وقت که نماز استاده کند اگر نشسته
ادا نماید باید که جنبه مقابل سینه شود و تا حاصل آید رکوع گذافی البر جنبه می
مسئله کوز پشت که قامت او بر رکوع رسیده کفایت میکند و در اسپرین
ذکره فی البحر الرائق و البر خدی مسئله وقتیکه رکوع نکرده و از قیامت مسجده رفت باید
که بر سنت انتقال کرد و نماز فاسد شود و اگر کج شد در میان مثل شتر نماز
باقی ماند که در فی الخلاصه و بسبب همین گفته اند که وقت انتقال از قومه رکوع است
بنشینند و الا در رکوع لازم می آید که موجب نقصان است از عمل که باعث بیادنی
در نماز است مسین بجز یعنی هر دو سجده در نماز فرض است و آن نهادن بر زمین است
بر زمین جنبه پایانی و اینقدر صحبت فرض کفایت میکند در ظاهر الرواۃ لیکن
مکروه است تحریر کتابیری ازینها بسبب وجوب نهادن هر دو کفافی فتح القدر
و البحر الرائق مسئله کتابه بجهت در ادای فرض کفایت میکند بالاتفاق
من الثلثه و اما کتابه بر منی فقط پس نزد امام عظیم جایز است نه نزد صاحبیه و قوی
بر قول ایشانست و بعضی بر اینند که نزد صاحبیه نهادن هر دو مسطه است
و بعضی میگویند که در نماز هر دو مسطه است

سفلح لصلوة

بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم

وكتفابره جازه صاحب بحر الرائق يسكويه كه اين خلاف مشهور است
 از صاحب مشهور جواز اكتفات مسلكه ^{از زمین بالا}
 وارويایا لاساز و نماز صحیح نیست یعنی اگر مقدار سبع از زمین مرفوع دارد
 و اصل زمین معاف است چنانکه در کشف عورت و نجاست مختصر است که مقدار
 تسبیح موجب فساد است کفایت میکند بنهادن یک انگشت در او امی فرض
 ذکره فی البحر الرائق وقال فلو لم یضیع الا اصابعه ووضع ظاهر القدم فانه
 لا یجوز فان وضع القدم بوضع الاصباع مسلّم و قتیله یکقدم
 نهد فقط نماز جایز باشد بالبر است اگر عدد شصت باشد ذکوة فاصححان
 وهو که اهت نجر علیه علی التحقیق من المذاهب تزویجیه
 علما ذهاب الی شیح الاسلام و امام قدوسی و جامعه دیگر
 بین رفته اند که وضع هر دو قدم فرض است پس نماز بر دستن یکقدم بمقدار
 مذکور فاسد شود و از فتاوی غیاتی معلوم میشود اگر مطلقاً یعنی در تمام جهات نهند
 فاسد کرد و اما نهادن هر دو دست و هر دو زانو فرض نیست بنا بر ظاهر الروایة و علیه
 فتوی مشایخنا و خیار الفقیه ابواللیث الاقرض و صحیح فی العیون کذافی
 البحر الرائق شیخ این امام میفرماید که فقیه ابواللیث انکار روایت مشایخ

در کتابها
موردی
تفاوتی
گفته اند
در این باب
و بعضی
فقط
یک قدم
فرض است
بسیار
که از این
جمله
مشایخ
اند
که این
صورت
مستحب
است
در نماز
فقط
یک قدم
نهدن
فاسد
است
و بعضی
فقط
یک قدم
فرض
است
و بعضی
فقط
یک قدم
فرض
است
و بعضی
فقط
یک قدم
فرض
است

بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم

مفصل صلوة

فلا بد من استقامت در نماز و در هر وقت که نماز را بخواند باید که در آن استقامت داشته باشد و اگر در نماز استقامت نداشته باشد نماز او باطل است و در هر وقت که نماز را بخواند باید که در آن استقامت داشته باشد و اگر در نماز استقامت نداشته باشد نماز او باطل است

میکنند و میگوید از امام اعظم ثابت نیست صحت کبرایق میگوید که قرآن ضعیف است
 سجود میفرماید و در حقیقت آن وضع بدین و کتبین نیست و اعدال احوال است
 کتبین بن تمام اختیار نموده که وضع هر دو و صحت نماز بدون وضع یکی از آنها
 مکروه تحریمی می شود اگر چه نقول از اکثر مشایخ است که سنت بتکرار مکروه
 تزیینی می شود مسلک سجده بر روی عماره مکروه تزیینی است و وقتیکه در بر جبهه
 باشد اما وقتیکه بر سر یا جبهه بر زمین نرسد نماز صحیح است بر تقدیر یک جبهه
 و منی هر دو نرسد با اتفاق روایات اگر منی نرسد بیک روایت صحیح است چنانکه گذشت
 لیکن مکروه تخریمت مسأله نماز جایز است بر زمین آنچه در حکم است یعنی آنچه جبهه بر
 قرار تواند گرفت کذا فی البحر الرائق و ان سجد علی البیتین و القطن ان
 استقر لجهته يجوز كما فی الذخيرة و فتح القدير والضابطه
 فيه انه ان بالغ لا يتسفل الرأس ابلغ منه يجوز كذا فی كذا
 العباد و الحادية من البرهانية فلو سجد على الدرّة و نحوها
 لا يجوز كما فی الظهيرية و فی الغياثية انه يجوز على
 العنطة و الشعير دون الارز و الجاوس و قال رسول الله
 صليت و سجدة اعضائين قال رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم

بدر آنکه نماز را بخواند باید که در آن استقامت داشته باشد و اگر در نماز استقامت نداشته باشد نماز او باطل است و در هر وقت که نماز را بخواند باید که در آن استقامت داشته باشد و اگر در نماز استقامت نداشته باشد نماز او باطل است

۲۲

کتابت می کنند بر زمین بودن و در هر وقت که نماز را بخواند باید که در آن استقامت داشته باشد و اگر در نماز استقامت نداشته باشد نماز او باطل است

سجده شصت

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين

وَالرُّسُلَ أَنْ أَمْرًا سَجَدَ عَلَى سَبْعَةِ أَعْضَاءٍ عَلَى الْجَنَّةِ
 وَأَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى أَنْفِهِ وَالْيَدَيْنِ وَالرِّكْبَتَيْنِ وَأَطْرَافِ
 الْقَدَمَيْنِ رَوَاهُ الْجَارِجِيُّ وَمُسْلِمٌ وَرِشَارَةُ بَيْنِي وَرِثَات
 بر آنست که جمیع المانی در کاست لیکن چون حدیث متواتر نیست حکم
 بوجوب هر دو کرده شد لهذا محققان همانند که قواعد اصول تقاضای آن میکنند
 که نهادن اعضای سبعة فرض باشد زیرا که بیان مجمل سجود است و بیان اجمال
 سجده شصتی افاده وضیت میکند چنانکه در حدیث مسیح رابع و قعود
 اخیر گفته اند و لهذا شاید که فقیه ابواللیث حکم بضریت همه کرده باشد
 والله اعلم مسئله اگر مجل سجده بمقدار یک خشت یا دو خشت است و بلند
 باشد جائز است ذکره فی الذخیره و فتح القدر و در زمینه المصلی میگوید بمقدار
 خشت رابع در است مسئله اگر در رکوع و سجود پیش از امام سر بردار و تمام
 کرد کما و رو فی الاحادیث الصحیحہ قد ذکره فی الکافی ایضا و واجب است که عود کند
 ذکره فی العیاشیه و غیره و اگر در موضع سجده خار با سر بردار و بر جامی دیگر بنشیند
 یکسجده ذکره فی المفید عن سفاح المسائل قاف چهارم قعه خیره فرض است
 و فرض است شصتن در آخر صلوة بمقدار شصت با جماع همه اربع ثابت شده و در کشف

بجای آنکه اگر کسی در سجده شصت با دست و پا
 بر زمین یا بر چیزی دیگر بنشیند و در سجده شصت
 با دست و پا بر زمین یا بر چیزی دیگر بنشیند
 با دست و پا بر زمین یا بر چیزی دیگر بنشیند
 با دست و پا بر زمین یا بر چیزی دیگر بنشیند

۳۵

سجده شصت
 در نماز و غیره
 در نماز و غیره
 در نماز و غیره
 در نماز و غیره

در نماز و غیره
 در نماز و غیره
 در نماز و غیره
 در نماز و غیره

بر روی گفته که قهرمان اخیر و حجت لیکن این واجب بقوت فرضت بحسب
 عمل نماز ترک این فاسد میشود و مسئله مردی چهار رکعت شروع کرد و چهارم
 نشست باز سجا طرش سید که مسوت برجا بعد از قیام متحقق شد که چهارم بود و باز
 نشست بعضی از تشدید خوانده بود که سخن کرد اگر در هر دو ^{تکلیف} مستثنی مقدار تشدید باشد
 نمازش صحیحست و گرنه فاسد کذا فی الفتاوی الاولی الجید صاحب بحر ایق بعد از
 نقل این میگوید که معلوم شد از اینجا که مقدار تشدید که فرضت در وقت طهر و الا
 نیست یعنی قیام میانه مانع و فاصل نمیشود و شکی پاید و ^{کلیت} که فرض خارجی
 و داخل که متفق علیه عندنا ^{ابو حنیفه و صاحب} التمهیه بود بیان شد که فرض دیگر نزد امام
 اعظم بحسب روایات مشهوره است و نزد صاحبیه نسبت آن خروج از نماز بفعل
 مصلحت و باینست که فرضت در روایت امام ابو سعید بروعی از
 امام اعظم ابو حنیفه کوفی رحمه الله علیه بر آمدن از نماز بفعل ختساری مصلی
 که منافعی نماز باشد مانند سلام یا کلام یا خوردن یا آشامیدن یا بر خاستن
 یا رفتن بلکه اگر حدت ختساری کند همه نماز تمام شود و لیکن در ماورای سلام نماز
 مکروه تخریمی میگردد و بنا بر آنکه لفظ سلام واجبست آنرا ترک نمود اما اگر کسی بگوید
 خلاف نیست در میان ائمه ثلاثه یعنی خروج بفعل ختساری اصلا فرض نیست

مغلق الصلاة

فرض نیست و ابو سعید از امام عظیم روایت نکرده است بلکه استنباط از مسائل
 نموده است و آن غلط است لیکن مختار صد الشریعه مفتی اهلین و جامعه محققین از
 متقدمین و متأخرین قول ابو سعید بر روی است و الله اعلم و فائده خلاف
 ظاهر میشود در محلی که حدیثی اختیاری بعد از تشهد شود نماز او تمام است بر
 مذبح صاحبیه بر مذبح ابو حنیفه با اعتقاد امام کرخی تمام است زیرا که کفر ضعیف است
 نزد امام ابو سعید بر روی که خروج فعل مصلحت و نیست نزد متأخرین تا آنکه خلا
 مسائل اشعری یعنی اول و دوم تمام شدن تسبیح سوخته
 کردن موزه بل قلیل چهارم سوختن اتمی سوره یا آیت پنجم یافتن برینده مقدار سوره
 عورت ششم قاور شدن موی بر رکوع و وجود هم یا آمدن نماز فائده ششم
 خلیفه گرفتن اتمی را نهم طالع شدن آفتاب در نماز صبح و هم داخل شدن
 وقت عصر در نماز جمعه یا ز و هم افتادن بر چه چرات بعد از پشت کردن
 و وار و هم زوال عذر معذور منبری برین است سبب بطلان نماز نزد امام
 عظیم و سببیکه بعد از مقدار تشهد باشد ساخته اند و نزد صاحبیه نماز ورین
 صورت تمام گفته اند بنا بر آنکه یک فرض از نماز که خروج فعل اختیاری
 مصلحت است هنوز مانده بود که این امور عارض گشت پس در عین نماز سبب و

در اینجا حدیثی از امام عظیم روایت نکرده است بلکه استنباط از مسائل
 نموده است و آن غلط است لیکن مختار صد الشریعه مفتی اهلین و جامعه محققین از
 متقدمین و متأخرین قول ابو سعید بر روی است و الله اعلم و فائده خلاف
 ظاهر میشود در محلی که حدیثی اختیاری بعد از تشهد شود نماز او تمام است بر
 مذبح صاحبیه بر مذبح ابو حنیفه با اعتقاد امام کرخی تمام است زیرا که کفر ضعیف است
 نزد امام ابو سعید بر روی که خروج فعل مصلحت و نیست نزد متأخرین تا آنکه خلا
 مسائل اشعری یعنی اول و دوم تمام شدن تسبیح سوخته
 کردن موزه بل قلیل چهارم سوختن اتمی سوره یا آیت پنجم یافتن برینده مقدار سوره
 عورت ششم قاور شدن موی بر رکوع و وجود هم یا آمدن نماز فائده ششم
 خلیفه گرفتن اتمی را نهم طالع شدن آفتاب در نماز صبح و هم داخل شدن
 وقت عصر در نماز جمعه یا ز و هم افتادن بر چه چرات بعد از پشت کردن
 و وار و هم زوال عذر معذور منبری برین است سبب بطلان نماز نزد امام
 عظیم و سببیکه بعد از مقدار تشهد باشد ساخته اند و نزد صاحبیه نماز ورین
 صورت تمام گفته اند بنا بر آنکه یک فرض از نماز که خروج فعل اختیاری
 مصلحت است هنوز مانده بود که این امور عارض گشت پس در عین نماز سبب و

در اینجا حدیثی از امام عظیم روایت نکرده است بلکه استنباط از مسائل
 نموده است و آن غلط است لیکن مختار صد الشریعه مفتی اهلین و جامعه محققین از
 متقدمین و متأخرین قول ابو سعید بر روی است و الله اعلم و فائده خلاف
 ظاهر میشود در محلی که حدیثی اختیاری بعد از تشهد شود نماز او تمام است بر
 مذبح صاحبیه بر مذبح ابو حنیفه با اعتقاد امام کرخی تمام است زیرا که کفر ضعیف است
 نزد امام ابو سعید بر روی که خروج فعل مصلحت و نیست نزد متأخرین تا آنکه خلا
 مسائل اشعری یعنی اول و دوم تمام شدن تسبیح سوخته
 کردن موزه بل قلیل چهارم سوختن اتمی سوره یا آیت پنجم یافتن برینده مقدار سوره
 عورت ششم قاور شدن موی بر رکوع و وجود هم یا آمدن نماز فائده ششم
 خلیفه گرفتن اتمی را نهم طالع شدن آفتاب در نماز صبح و هم داخل شدن
 وقت عصر در نماز جمعه یا ز و هم افتادن بر چه چرات بعد از پشت کردن
 و وار و هم زوال عذر معذور منبری برین است سبب بطلان نماز نزد امام
 عظیم و سببیکه بعد از مقدار تشهد باشد ساخته اند و نزد صاحبیه نماز ورین
 صورت تمام گفته اند بنا بر آنکه یک فرض از نماز که خروج فعل اختیاری
 مصلحت است هنوز مانده بود که این امور عارض گشت پس در عین نماز سبب و

مفصل اصوله

فمنه ما نقله من كتابه في الصلاة
عظمه في الصلاة
عظمه في الصلاة
عظمه في الصلاة

بعضی وقتها اندک
و اما در خواب
و بعضی وقتها در وقت
و بعضی وقتها در وقت
و بعضی وقتها در وقت

بسیار بخلاف صاحبیه روایت کرده که نماز بقعود قدر شهادت تمام شد بود و طریقت
امور مذکوره بعد از نماز مفید نیست **مسئله** اولی جمیع قرائین مذکوره از
تحریمه تا آخر در بیداری شرط است اگر در یکی از اینها خواب با محسوس نیست بلکه فر
اعاده آن بر مذکور صحیح مختار و اگر در شروع و انتها بیدار باشد کفایت میکند
در اکثر روایات در جمیع فرضها مگر در رقعده اخیر و نیز در بعضی نمیکند و اگر تمام
در خواب و امن و نماز فاسد کرد و کل فلک من البحر الرائق باید دانست که امام فرموده یکی
از شاگردان امام عظیم است ترتیب و امی کنها چنانکه اول قیام بعد از قنوت
بعد رکوع بعد سجده و نیز فرض گفته با فرض سابقه پس بنا بر قول او یا نژده فرض
میشود و بر قول امام عظیم روایت مختار چهارده میشود و بقول صاحبیه ^{۱۳}
است چون در نژده خلاف بیح کبی از ائمه ثلاثه مانند و بنا بر علیه و ربیت مذکور
شاید آن عزیز مولف الابیات آورده با والله اعلم چون فریض محمد الله
سبحانه تمام انجام میدهد شروع در واجبات کرده میشود و هم چو ابندی
شوی خطره **فصل** ثانی **فصل** ثانی **فصل** ثانی **فصل** ثانی **فصل** ثانی
باتفاق علمای ثلاثه مذکور خلافاً لمذهب الامم ثلاثه که فرض است نماز
بترک آن فاسد میشود و عند هم و نژده ما اگر عدا ترک نماز ناقص

تجان و اجناس نماز جمعه
چنین تمام
نزد امام
از نماز جمعه
نزد امام
نزد امام
نزد امام

بسیار بخلاف صاحبیه روایت کرده که نماز بقعود قدر شهادت تمام شد بود و طریقت
امور مذکوره بعد از نماز مفید نیست
تحریمه تا آخر در بیداری شرط است اگر در یکی از اینها خواب با محسوس نیست بلکه فر
اعاده آن بر مذکور صحیح مختار و اگر در شروع و انتها بیدار باشد کفایت میکند
در اکثر روایات در جمیع فرضها مگر در رقعده اخیر و نیز در بعضی نمیکند و اگر تمام
در خواب و امن و نماز فاسد کرد و کل فلک من البحر الرائق باید دانست که امام فرموده یکی
از شاگردان امام عظیم است ترتیب و امی کنها چنانکه اول قیام بعد از قنوت
بعد رکوع بعد سجده و نیز فرض گفته با فرض سابقه پس بنا بر قول او یا نژده فرض
میشود و بر قول امام عظیم روایت مختار چهارده میشود و بقول صاحبیه
است چون در نژده خلاف بیح کبی از ائمه ثلاثه مانند و بنا بر علیه و ربیت مذکور
شاید آن عزیز مولف الابیات آورده با والله اعلم چون فریض محمد الله
سبحانه تمام انجام میدهد شروع در واجبات کرده میشود و هم چو ابندی
شوی خطره
باتفاق علمای ثلاثه مذکور خلافاً لمذهب الامم ثلاثه که فرض است نماز
بترک آن فاسد میشود و عند هم و نژده ما اگر عدا ترک نماز ناقص

مسئله

ناقص و مکروه تحریمی و واجب الایعاد کرده و اگر سهواً ترک کرد و موجب سجده است
سهواً و همین حکم هر واجب مسلّم در فرض قرات فاتحه در دو رکعت
اولی واجب و در نقل سطلق و در هر رکعت واجب و بروایت حسن بن
زیاد و در جمیع رکعات فرض نیز واجب مسلّم فرض قرات و واجب آن بفاتحه
وقتی ادا شود که نیت قرات کند و اگر نیت ادا نخواهد کرد در فی الحیاط
و فی الفناوی الصغری اثبت عن القراءه که فی البر خدی مسلّم اگر خوف
قوت وقت باشد فاتحه ترک کند و بیکیت کفایت کند که فی القیثه لیکن
در نیصورت اگر بعد از وقت بسبب ترک واجب اعاوه کند پیش از اتمام علم بالصواب
ضاد ضم سوره یعنی مقدار سه آیت بعد از فاتحه واجب است نزد علمای ما و
سنت است نزد ائمه بلکه و این ضم در فرض دو رکعت اول است فقط و درین
و نوافل و در هر رکعت واجب است و در دو رکعت اخیر فرض فاتحه مستحب است
و سکوت نسیم نیز جایز است ضم سوره نیز جایز است و بروایتی مکروه است
و فی البحر الرائق فلو ضم فی الاخرین من الفرض لا یكون مکروهاً لکن نقل فی غایة البیان
مسئله اگر فاتحه خواند و در آیت ضم کرده رکوع کرده اعاوه کند بر وجه وجوب
آیت سوم بخواند و سجده سهواً آید ذکره فی البر خدی مسلّم فاتحه ضم سوره

در دو رکعت اولی واجب است و در هر رکعت واجب است و بروایت حسن بن زیاد و در جمیع رکعات فرض نیز واجب مسلّم فرض قرات و واجب آن بفاتحه وقتی ادا شود که نیت قرات کند و اگر نیت ادا نخواهد کرد در فی الحیاط و فی الفناوی الصغری اثبت عن القراءه که فی البر خدی مسلّم اگر خوف قوت وقت باشد فاتحه ترک کند و بیکیت کفایت کند که فی القیثه لیکن در نیصورت اگر بعد از وقت بسبب ترک واجب اعاوه کند پیش از اتمام علم بالصواب ضاد ضم سوره یعنی مقدار سه آیت بعد از فاتحه واجب است نزد علمای ما و سنت است نزد ائمه بلکه و این ضم در فرض دو رکعت اول است فقط و درین و نوافل و در هر رکعت واجب است و در دو رکعت اخیر فرض فاتحه مستحب است و سکوت نسیم نیز جایز است ضم سوره نیز جایز است و بروایتی مکروه است و فی البحر الرائق فلو ضم فی الاخرین من الفرض لا یكون مکروهاً لکن نقل فی غایة البیان مسئله اگر فاتحه خواند و در آیت ضم کرده رکوع کرده اعاوه کند بر وجه وجوب آیت سوم بخواند و سجده سهواً آید ذکره فی البر خدی مسلّم فاتحه ضم سوره

مسئله

در دو رکعت اولی واجب است و در هر رکعت واجب است و بروایت حسن بن زیاد و در جمیع رکعات فرض نیز واجب مسلّم فرض قرات و واجب آن بفاتحه وقتی ادا شود که نیت قرات کند و اگر نیت ادا نخواهد کرد در فی الحیاط و فی الفناوی الصغری اثبت عن القراءه که فی البر خدی مسلّم اگر خوف قوت وقت باشد فاتحه ترک کند و بیکیت کفایت کند که فی القیثه لیکن در نیصورت اگر بعد از وقت بسبب ترک واجب اعاوه کند پیش از اتمام علم بالصواب ضاد ضم سوره یعنی مقدار سه آیت بعد از فاتحه واجب است نزد علمای ما و سنت است نزد ائمه بلکه و این ضم در فرض دو رکعت اول است فقط و درین و نوافل و در هر رکعت واجب است و در دو رکعت اخیر فرض فاتحه مستحب است و سکوت نسیم نیز جایز است ضم سوره نیز جایز است و بروایتی مکروه است و فی البحر الرائق فلو ضم فی الاخرین من الفرض لا یكون مکروهاً لکن نقل فی غایة البیان مسئله اگر فاتحه خواند و در آیت ضم کرده رکوع کرده اعاوه کند بر وجه وجوب آیت سوم بخواند و سجده سهواً آید ذکره فی البر خدی مسلّم فاتحه ضم سوره

در دو رکعت اولی واجب است و در هر رکعت واجب است و بروایت حسن بن زیاد و در جمیع رکعات فرض نیز واجب مسلّم فرض قرات و واجب آن بفاتحه وقتی ادا شود که نیت قرات کند و اگر نیت ادا نخواهد کرد در فی الحیاط و فی الفناوی الصغری اثبت عن القراءه که فی البر خدی مسلّم اگر خوف قوت وقت باشد فاتحه ترک کند و بیکیت کفایت کند که فی القیثه لیکن در نیصورت اگر بعد از وقت بسبب ترک واجب اعاوه کند پیش از اتمام علم بالصواب ضاد ضم سوره یعنی مقدار سه آیت بعد از فاتحه واجب است نزد علمای ما و سنت است نزد ائمه بلکه و این ضم در فرض دو رکعت اول است فقط و درین و نوافل و در هر رکعت واجب است و در دو رکعت اخیر فرض فاتحه مستحب است و سکوت نسیم نیز جایز است ضم سوره نیز جایز است و بروایتی مکروه است و فی البحر الرائق فلو ضم فی الاخرین من الفرض لا یكون مکروهاً لکن نقل فی غایة البیان مسئله اگر فاتحه خواند و در آیت ضم کرده رکوع کرده اعاوه کند بر وجه وجوب آیت سوم بخواند و سجده سهواً آید ذکره فی البر خدی مسلّم فاتحه ضم سوره

مفتوح اصلوة

بعد ازین وقت هر سجده که در نماز باشد...
در وقت سجده اگر سوره قافله در سجده باشد...

بعضی از عیال هم کرده اند...
بعضی از عیال هم کرده اند...

هر یک جدا جدا واجب است و قایم مقام فرض میشود و از هر آنکه آنچه از قرآن در نماز خوانده میشود
واقع از فرض میگردد و چنانچه در فتح العذیر و بحر الریق و بر خدی و غیره مذکور است
لی اول تعین قرات در وقت اول فرض واجب است تا آنکه در آخرین بیاصل اول
واحد الاخرین خواند فرض او امیثود لیکن نماز مکروه تحریمی کرد و اگر عذایا
و سجده هم لازم آید لکن سبب اول بود و این مذکور است در کراهی بحر الریق و غیره
مسئله تقدیم فاتحه بر سوره و مافی حکما هم واجب است تا آنکه گفته اند اگر یک کلمه
از سوره قبل از فاتحه خواند سجده هم لازم آید و در لفظ ضم فاعده امینی است
که ذافی بحر الریق ظاهر است مقدار تسبیح یا چنانکه از مواضع دیگر معلوم میشود
مسئله فاتحه در او لیکن بکیار خواند اگر دو بار واقع شد باید وید که فصل بسوره
کرده یا نه صورت ثانیه سجده هم لازم آید ذکره قاضیان و اختاره فی المحیط و نظیری
التخلاصه چون در قرات واقع شد لابد است که بعضی مسائل سوره القاری آورده
شود مسئله خطایک از قاری شود یا در عربی است یا در حروریات یا در کلمات یا در آیات و احکام
و حرورست یا بوضع حرفی مقام دیگری یا تا با خیر یا زیاد یا نقصان است و همچنین در
کلمات آیات مثال هر یکی مجمل بیان نموده و اما عربی مفصده نیست اگر چه تعبیری شود مگر
آنکه موجب کفر بود مثل الباری بالصور لقیح الواو و رفع حلاله و نصب علما در انما
لفظ علما ۱۲

در صورت عیال هم کرده اند...
بعضی از عیال هم کرده اند...